

لا يموت و سبح بحمده و كفى به بذنوب عباده خبيراً بصيراً لا اله الا الله
 وحده لا شريك له صدق وعده و نصر عبده وهزم الاحزاب وحده ما شاء
 الله لا قوة الا بالله كتب الله لاغلبن اناورسلى ان الله لقوى عزيز ان حزب
 الله هم الغالبون ومن يعتصم بالله فقد هدى إلى صراط مستقيم وصلى الله
 على محمد و آله الطيبين الطاهرين .

سلمان فارسی گوید بعد از رحلت پیغمبر ﷺ از خانه بیرون
 آمدم در بین راه خدمت امیر المؤمنین علیه السلام رسیدم فرمود برو نزد فاطمه
 که تحفه از بهشت برای او آمده میخواهد برای تو تعلیم کند بخدمت
 آن بانو رسیدم فرمود سلمان! دیروز در همین موضع نشسته بودم و در
 خانه بروی خود بسته بودم غمگین و در فکر بودم از منقطع شدن وحی الهی
 از ما و نیامدن ملائکه بسوی ما ناگه دیدم که درب خانه گشوده شد
 و سه نفر دختر به اندرون خانه آمدند که کس را به حسن و جمال
 آنها ندیده بودم پرسیدم شما از کجا آمده اید عرض کردند ما از اهل
 بهشتیم و بسیار مشتاق زیارت شما بوده ایم از یکی که قدری بزرگتر
 می نمود پرسیدم چه نام داری گفت مقدوده گفتم بچه سبب ترا مقدوده
 نام کرده اند گفت بجهت آنکه از برای مقداد بن اسود خلق شده ام از
 دیگری پرسیدم چه نام داری گفت ذره نام دارم پرسیدم بچه سبب؟

ختم لقضاء الحوائج :

یقرء یوم الاربعاء الی عشرة ایام کل یوم عشرة :

بسم الله الرحمن الرحيم یا مفتاح الابواب یا مقلب القلوب والابصار یا
 دلیل المتحیرین یا غیاث المستغیثین علیک توکلت یا رب اقض حاجتی و اکف
 مهمی و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم وصلى الله على محمد و آل محمد .

گفت برای آنکه خدا مرا برای ابوذر غفاری خلق کرده است از
سومی پرسیدم چه نام داری گفت سلمی گفتم بچه علت گفت از برای
سلمان فارسی آزاد کرده پدر تو خلق شده ام فاطمه علیها السلام فرمود که
از برای من رطبی چند بیرون آوردند مانند گرده‌های نان بزرگ از
برف سفیدتر و از مشگ خوشبوتر پس سلمان گفت فاطمه علیها السلام یکی
از آن رطب‌ها بمن دادند و فرمودند که امشب با این رطب افطار کن
فردا هسته‌اش را برای من بیاور من آن رطب را گرفتم و بیرون آمدم
بهر جمعی از اصحاب که می‌گذشتم می‌پرسیدند ای سلمان مگر مشگ
همراه داری می‌گفتم بلی چون وقت افطار شد تناول کردم و هیچ هسته
نداشت روز دیگر بخدمت آن بانو رفتم عرض کردم که خرما هسته
نداشت فرمود چگونه هسته داشته باشد و حال آنکه این رطب از درختی
بهم رسیده که خدای تعالی آنرا در بهشت با قدرت خود غرس کرده
است این به سبب دعائی است که پدرم بمن تعلیم کرده است و هر صبح و شام
می‌خوانم سلمان گفت ای سیده من آن دعا را تعلیم من فرما فرمود که
اگر خواهی درد دنیا بمرض تب گرفتار نشوی برای این دعا مواظبت نما بسم
الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور

بجهت محنت و شدت تجربه شده است - از کتاب زبده الدعوات: اگر

برای کسی شدت و محنتی پیش آید و بهیچ چیز دفع نشود باید که در محل
خلوتی رو به قبله نشیند و با کسی تکلم نکند تا هزار مرتبه بگوید - یا مغیث
اغثنی بسم الله الرحمن الرحیم یا صاحب المرئی والمسمع اغثنی بحق آل طه
و پس بعد از فراغ صد مرتبه بگوید ادفع العظیم بالعظیم و انت اعظم من کل
عظیم . محنت براحه مبدل گردد .

بسم الله الذى هو مدبر الامور بسم الله الذى خلق النور من النور وانزل النور على الطور فى كتاب مسطور فى رق منشور بقدر مقدور على نبي محبور الحمد لله الذى هو بالعز مذكور وبالفخر مشهور وعلى السراء والضراء مشكور و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سلمان گوید ایندعا را به زیاده از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم نمودم و همه آنها نجات یافتند .

و نیز در دروس - منقول است که پیغمبر ﷺ تعلیم فرمود از برای علی عليه السلام دعائی از برای تب اللهم ارحم جلدی الرقيق وعظمی الدقيق و اعوذ بك من فورة الحريق يا ام ملى ان كنت آمنت بالله فلا تاكلى اللحم و لا تشربى الدم و لا تفورى من الفم و انتقلى الى من يزعم ان مع الله الها آخر فانى اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله آنحضرت این دعا را خواند و همان لحظه شفا یافت.

از سید محمد باقر داماد منقول است هر که را محنتی پیش آید باید که روز چهارشنبه شروع نموده و هر روز صد مرتبه بخواند تا روز جمعه دیگر که مجموع ده روز میباشد اما باید در اثناء خواندن با کسی حرف نزنند تا صد مرتبه به اتمام رسد اگر احیاناً ساخته نشد باز از سر گیرد در مرتبه ثانیه البته حاجتش روا شود یا مفتوح الابواب یا مسبب الاسباب یا مقلب القلوب و الابصار یا دلیل المتحیرین یا غیاث المستغیثین یا صریخ المستصرخین یا مالک یوم الدین یا ایاک نعبد و ایاک نستعین .

ادویه طب قدیم و ایرانی

بترتیب حروف تهجی

آب - آب متداول خالص نیست و غالباً مخلوط است به هواء متنفسه و بعضی املاح مانند نمك قلیاب و نمك طعام و املاح حدیدیه و امثال آن چون مقدار این املاح بعد تغییر طعم آب میشود اورا قابل شرب ندانسته و در بعضی امراض مزمنه مستعمل داریم و جهة خلوص آب و قابلیت شرب تدا بیر مختلفه نموده اند و بهترین طریق تقطیر اوست در قرع و انبیق مسی که مقدار معینی آب و صدیک وزن آن زاج سفید ریخته سه ربع از آن جمله را بواسطه تقطیر اخذ نموده در ظروف شیشه کوچک محفوظ دارند و این قسم آب خالص از هوا و فارغ از هر قسم ملحی است آب باران تقریباً خالص و در اعمال دارو سازی بهتر است و چون آب رود و قنوات طعم مشوبی از این املاح نداشته باشند قابل شربند و چون آب رود در منبعی کثیف گردد تدبیرش این است که چند شاخه آهن در آن معلق دارند استعمالات ۱ - جهت تسکین حرارت معده و اسکات تشنگی و تسهیل حرکت دودی معده ۲ - جهت یبوست مزمن مزاج که بواسطه حالت ضعف امعاء باشد به هر قسم که هر شب یک لیتر و نیم آب بسیار سرد حقنه (اماله) نمایند .

۳ - در شدت درد بواسیر حقنه نمایند ۴ - در نفث الدم روزی هر پنج دقیقه یک قهوه خوری که برودت آب متلاحقا بیشتر باشد و مریض از هر غذائی پرهیز و راحت باشد و پاها را در آب گرم نهند و کیسه

آب در روی شکم نهند ۵- خائیدن یخ نافع است در مطبقة و محرقه
وقی عارض از فتق منخنق ۶- استعمال خارجی آن در مرض (وبا)
۷- در گزیدن سگ هار مجبورش نمایند بفرو رفتن در آب سرد و
خوردن از آن تا قی کند ۸- پاشیدن آن بروی اشخاصیکه تب نوبه
دارند قبل از آمدن تب ۹- وضع کیسه مملو از یخ است بر سرد راورام
دماغی بحدی که علامات ردیه فانی گردد ۱۰- در جمود ناقص مفصل
پاشیدن آب بسیار سرد موجب تحریک مفصل است ۱۱- در ورم مزمن
مفصل با فساد نسوج پاشیدن آب سرد بفاصله اندک و دفعات مکرر معمول
است ۱۲- در احتراق از آتش و تیزاب مانع بروز طاول است ۱۳- در
فتق منخنق ریختن آب سرد موجب رجوع آن است - حالا که فتق را
بخوبی جراحی و عمل میکنند ۱۴- در رعاف (خون دماغ) صعب العلاج
پاشیدن آب خنک بر سر نیکوترین اعمال است ۱۵- تبرید شدید
عضوی قبل از عمل جراحی موجب تسکین درد و بعد از آن مانع ریزش
خون است ۱۶- آب نیم گرم از داخل ملین و مرقق سودا و معین عمل
قی است ۱۷- حقه از آب نیم گرم بمقدار زیاد و نشستن روی کیسه
آب گرم موجب دفع یبوست قولنجی است ۱۸- در خناق اطفال جدید
الولاده از فرو بردن طفل متوالیاً در آب سرد و گرم حاصل نیکو دیده
شده است ۱۹- ریختن آب بر بدن مریض تب دار مضطرب و در وجع
عضلانی و نقرس و در اکثر امراض جلدیه حاره مزمنه و در اعانت بر
بحران بعضی از مرضها مستعمل دانسته اند .

آبهای معدنی: ۱- آب طبیه ساده تفاوتش با آبهای متعارفی در درجه
حرارت است و استعمالش در مواضع آب گرم شده است ۲- آبهای

ترش مزه آسید کر بنیک حرارت این آبها بسیار مختلف و طعمشان جزئی ترش و گزنده نوک زبان است چون در شیشه دهان بسته آنها را برهم زنند کف میکند در موقع ابر بودن هوا می جوشد و استحمام این قسم آب مفید است در سوء هضم و امراض کبدیه و مثانه و بعضی امراض عصابی مانند صداع مزمن و غش و مالیخولیا .

۳- آبهاییکه قلیاب دارند حرارت آنها مختلف است و طعم قلیاب میدهد چون دست بدان آلوده کنند چرب بنظر آید استعمالش مفید است در صورت حموضت معده و تحلیل بلغم و رفع خنازیر و بعض از اقسام ریگ مثانه و نقرس و روماتیزم عضلانی و مفصلی و بواسیر

۴- آبهای شوره دار که طعمش شور و تلخ و مستعمل است در بیوستدائمی مزاج و نوبه های مزمنه و در برخی از اقسام جنون ۵- آبهاییکه گوگرد دارند و طعم آن مانند بوی تخم مرغ گندیده دارد و طلا و نقره را سیاه گرداند در امراض جلدیه مزمنه و خنازیر و در امراض مزمنه سینه و مثانه با کثرت ترشح بلغم و در ضعف آلات تناسلی و فلج و روماتیزم و جراحی مزمنه حادثه از اسباب چرب و تقرحات مزمنه ۶- آبهاییکه آهن دارد گرم نیستند چون با چای دم کرده سیاه گردد اثر خاص دارد در تغییر حالت و قلت طمث و ترشح مزمن آلات تناسلی اناث و در سوء هضم ضعیفی استحمام و آشامیدن آبهای معدنی خوب است اما بشرطی که اول کم کم شروع نموده و مریض را عادت دهند و ملاحظه مزاج مریض نموده در حالت خالی بودن معده به آنها رجوع کند چون معده شرب آنها را قبول ننماید با بعضی ادویه معطره بدهند و استعمال نمایند با وجود امراض حاده و حالات حیض و امتلاء معده و

خستگی بدن .

ادفیکا - گیاه فرنگی است و مستعمل است ریشه و برگ آن در ضعف عمومی قدر شربت از گل و برگ آن از پنج تا ده گندم و از ریشه آن ۲۵ تا ۴۵ گندم است .

اذن الدُّب - گیاهی است فرنگی و مستعمل است دم کرده آن بمقدار ده مثقال در نیم من آب در تلین و اخراج وضیق النفس و نزله و قصبه الریه و ضماد برگ آن در تحلیل د کمه بواسیر و غدد خنازیر و بدل برگ بادمجان فرنگی و گیاه معروف بدم گاو است .

اذن القسیس - که او را قدح مریم نامند مستعمل است در زخمها و برگ تازه آن مخلوط باروغن کنجد نموده بروی جراحت نهند قدر شربت آن ۲ مثقال و مدر و مبرّد است .

اذن الفار - مستعمل و فقط مدر است درورم حاد و مجرای بول و در استسقاء .

آزاد درخت - درختی است معروف و مستعمل است پوست آن در امراض تب و نوبه و روماتیزم عضلانی بقدر دو مثقال .

صوردوائی: ۱ - طرز حصولش از پوست آزاد درخت مانند کنین از پوست درخت گنه گنه و در سایر امور نیز مانند پوست .

۲ - سولفات دوازادرین - چون پوست این درخت را در آسید سولفوریک خیسانیده و رسوب آنرا جمع کنند بخشکانند حاصل خواهد شد طرز استعمال مانند سولفات دو کنین است .

اطریلال - بزبان ترکی غازیاغی گویند نباتی است ایرانی در اغذیه مستعمل است .

کلهای ارغوان

صوردوائی - شیر آن که از فشار این گیاه حاصل میشود مستعمل است در محکم کردن دندان و رویانیدن گوشت لثه و رفع عفونت دهان باید غرغره کرد .

اکونیت - بیونانی اقونیسطون گویند و به عربی خانق النمر و مشتبه است با ماژریون گیاه سمی است .

صوردارویی - تعفین الکلی ، بهترین ترکیبات آن است و حاصل میشود از خیسانیدن يك جزء و نیم از برگ تازه این نبات در ۱۲ جزء الکلی ۸۵ درجه پس از تصفیه در شیشه‌های کوچک محفوظ دارند و مستعمل است:

۱- در وجع عصبانی و درد روماتیزم .

۲- در انجذاب چرك خاصه در زنان تازه زائیده .

۳- در ترشح عرق مسلولین ۴- در حمزه ۵- در ورم حلق و مری

احتیاط باید کرد که استعمال آن تدریجی باشد و تریاق آن يك قاشق چای خوری محلول ذوغال حیوانی و حقه از مطبوخ غلیظ قهوه به اضافه ده الی ۲۵ قطره جوهر نوشادر بدون تجویز طبیب نباید استعمال کرد .

آلوی بخارائی - همینطور است آلوجه برغانی

(صوردارویی) میوه آن در اعانت بر عمل مسهلات نباتی مانند سنامستعمل است در فرو نشاندن عطش و نغث الدم و مسهلی از آن بدین طریق باید درست کرد بگیرند ۲ الی ۶ مثقال سناء مکی پاك کرده ده گندم انیسون ۲۵ گندم طرطیر در ۵۰ مثقال آب جوش پس از دم کشیدن مصفی گشته ده الی ۲۵ دانه آلور یخته يك شب خیسانیده صبح قند نرم کوبیده بر آن بپاشند و استعمال نمایند .

۲ - مغز وهسته آن مانند بادام تلخ مستعمل است ۳ - پوست درخت آن از جمله ادویه مستعمله در رفع نوبه است ۴ - صمغ آن مانند انکم مستعمل است .

آلوبالو - مستعمل است در محافظه اشخاص روماتیزی و نقرسی از عود مرض ، مطبوخ چوب نازک آن بمقدار ۴ الی ۵ مثقال در نیم من آب تا یک چارک باقی بماند مدر و مستعمل است در مرض استسقاء .
 اویشم شیرازی - در زبان آذربایجانی ککلیک اوتی گویند نباتی است معطر با طعم قدری تلخ مزه از مقویات موضعیه است (صوردوائی) دم کرده آن در اسکات و جمع دندان کرم خورده و در رفع کسالت و سر درد خماری و در قولنج بواسیری قدر شربت آن ۲ الی ۴ مثقال مخلوط با نبات .

ضماد آن مفید است جهت تحلیل دکمه های خنازیر عنق .
 استحمام پاها در مطبوخ گل اویشم بمدت یک ربع ساعت و رسانیدن

برکت کیسه - در اول هر ماه این کلمات را بنویسد در کیسه یا محل پول گذارد تا آخر آن برج بی پول نماند .

یا معز کل ذلیل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل یا معز کل ذلیل

اعزنی بعزتک یا ذا الطول یا ذا الطول اعزنی بعزتک

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ۹۹۹ ۹۹۹ ۹۹۹ ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلك عن سواک

یا ارحم الراحمین

لا اله الا الله

بخار آن به اسافل اعضاء در قلت طمث (حالت زنانگی) اثر خاصی دارد.

اسفنج - به فارسی ابر نامند حیوانات كوچك و ریزی است بدین شکل مجتمع و بلغم کثیری که در خلل و فرج او موجود است گوشت آن حیوان ناقص النمو است و ابریکه از دریای یونان آورند بهتر است از ابر اعرابی.

صور داروئی - استعمالش از داخل غیر ممکن است و مهلك میباشد و در روغن سرخ کرده و قند پاشیده آن قاتل موش است و از خارج مستعمل است در تغسیل جراحات و تقرحات و سد رعاف مکلس آن (چون ابر را در بوته سر بسته محترق سازند از صد جزء آن ۳۴ جزء جسم ذغالی باقی می ماند) که مفید است در خناریر و در عظم غده زائده که بدین طریق استعمال نمایند طرطر و ذغال اسفنج و قند از هر یک، یک جزء ونیم، نوشادر و دارچینی از هر یک ۶ جزء سولفور دو انتمون طلائی و دار فلفل از هر یک، یک جزء سحق بلیغ نموده بدقت مخلوط یکدیگر ساخته صبح و شام بمقدار یک قاشق چایخوری بنوشانند متدرجاً جابه دو قاشق برسانند و اغلب اطبای ایرانی قدیم این ترکیب را در امراض بهتر از (یُد) دانسته اند زیرا علاوه نمک طعام نیز دارد.

شیخ بهائی ره - میفرماید این رباعی را بجهت حصول مطالب یکصد مرتبه بخواند البته بمراد خود میرسد و میفرماید تجربه کرده‌ا:

شکراً لك فی كل مساء و صباح
افتح لی ابواب فتوح فتاح

حمدالك رب نجنى منك فلاح
من عندك فتح كل باب مفتوح

ابهل - درختی است بری که همان برگش مستعمل است :

- ۱- در ثالولهای کوفتی و ذرور برگ آن مثل ادویه اگاله است ۲- مطبوخش
- در تغسیل قروحات عفنه ۳- غرغره آن در رفع درد دندان کرم خورده
- ۴- سهمی از يك جزء آن و پنج جزء مرهم ساده در چرك نگاهداشتن
- زخمها ۵- روزی سه نوبت در هر نوبتی خوردن سهالی چهارنخود از
- مسحوق آن یا مطبوخ در شیر دواي مخصوص قلت طمث است و مانند
- آهن در سد سیلان خون حیض نیز استعمال میگردند ۶- در زنانیکه
- بموعد معین سقط جنین می نمایند بشرطی که مراعات حفظ صحت شود
- دواي مخصوصی است ۷- در نقرس مزمن ۸- در استرخاء مثانه که
- از بدی وضع حمل باشد و باید بتدریج زیاد نمود اگر لازم شود چون
- معدۀ قبول نکند بالعابها منضم نمایند و قدر شربت از تازه او نصف مقدار
- خشک اوست .

از گل - ثمر درخت بری نافع است در اسهال و سفوف تخم آن
از نرف الدم رحم و مطبوخ آن ۳ مثقال، و نیم کوب آن مدر خاص
و مستعمل است در استسقاء و تخم آن در نزله مثانه و برگش در ورم
مزمن حلق و قلاع بطور غرغره مفید است .

از خر- نبات هندی است مستعمل در سوء الهضم بمقدار دو مثقال
مطبوخاً دهن فرآرش معروف به عطر رازقی و تدهین (روغن مالی) آن
در روماتیزم نافع است .

اسارون - نباتی است همیشه سبز و برگش مرکب با اسطوخودوس
معطر و نیم مثقال از کوبیده آن مقبب و مدر و معرق است .
اسپرک - نباتی است معروف صباغان و دم کرده نیم مثقال آن چند

گل‌های ارغوان

روز متصل موجب خروج کرم های معده است .

استارین - در شمع گچی بمقدار کلی موجود و طرز حصولش
بجهت استعمالات طبیه بدین قسم است که صابون خشک را در باران
یا آب مقطر حل ساخته در مصفی کرده آن بقدری (اسید استیک) تقطیر
نمایند تا رسوب جسمی برفی شکل موقوف شود آنگاه آن جسم سفید
را که بر روی آب ایستاده جمع کنند و به آب سرد تغسیل نموده در کاغذی
بخشگانند بعوض موم در مرهمها مستعمل است و از داخل مانند
روغن ماهی است که در ابتدایک الی دو گندم متدرجا زیاد نمایند و
استعمال کنند .

برای ادای قرض - این اسامرا بچهار طرف خانه مسکونی خود بعدد

هریک بخواند .

شمال عبدالرشید مشرق عبدالرحیم جنوب عبدالجلیل مغرب عبدالکریم
در اول هر ماه عربی این طلسم را پر کرده در کیسه پول قرار دهد در
آنماه سختی و بی پولی نمی بیند و این حروف را در چهار طرف طلسم بنویسد

۸	۶۲۴	۶۲۷	۱
۲۶۶	۲	۷	۶۲۵
۳	۶۲۹	۶۲۲	۶
۶۲۳	۵	۴	۶۲۸

ی ارب ب ک ر ی می ت ک خ ا ر م ن ک ن ی - در مان ده ا ه ل ا ع ت ب ا ر م ن ک ن ی

ه ر ج ی ز ک می ک ن ی ب د ا ن خ ر س ن د م - م ح ت ا ج ب خ ل ق ر و ز گ ا ر م

ن ک ن ی

اسطوخودس - نبات معروف دم کرده آن يك الى ۲ مثقال در
 نزله ریه و حبس طمث و قی عصبانی نافع و پاشیدن مسحوق آن بر لباس
 پشمی مانع است از بیدزدن .
 صور داروئی - روغن فرار آن حاصل میشود از تقطیر يك جزء
 نبات اسطوخودس باء جزء آب مقطر چون از آب مقطر جدا نمایند
 محرك است و تقطیر الکلی آن که الانده نامند در سوء هضم و قولنج شکم
 بمقدار چند قطره نافع است .
 اسفناج - نبات معروف بطیء الهضم و در سنگ مثانه حاصله از
 آسید اوریک نافع است .
 اسفند - نباتی است معروف از بذرش عصاره مومی حاصل میشود
 بدین قسم که تخم آن را نیمکوب کرده چند روز خیسانیده بقوام
 آورده در بشقابهای چینی گسترده بخشگانند که ملین و مسکن است
 اما در زنان استعمالش خطر دارد و ضماد خمیر برگ اسفند با زرده
 تخم مرغ بر موضع درد کمر و بواسیر نافع و در ابتدای گزیدن
 سگهار خوردن برگش مستعمل و در دفع شپش نافع است .
 آسه - نباتی است که میتوان بدل حنیض مکی استعمال کرد .

معالجه زگیل غدد گوشتی که در روی دستها حادث شود سوره الم نشرح
 را هفت مرتبه با پارچه نمک و نمک بخواند و دفن کند میریزد .
 در حدیث بسیار معتبر است هر که این دو آیه شریفه را مداومت نماید
 و بخواند هموم و غموم وی به شادی و سرور مبدل شود - الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن
 ان ربنا لغفور شکور الذی احلنا دار المقامة من فضله لا یمسنا فیها نصب ولا یمسنا
 فیها لغوب .

گل‌های ارغوان

اشق - صمغی است از خارج مستعمل در تحلیل اورام مزمنه و در ورم نتیجه از احتباس شیر در پستان بدین نسخه معمول است - مردار سنگ ۲۴ روغن زیت ۳۵ موم زرد ۱۲ سقر ۸ مقل ازرق اشق کندر مرمر مکی و کافور از هر یک ۳ جزء صبر زرد یک جزء مرهم ساخته بروی پارچه نرم کشیده بر پستان به نهند از داخل هم مستعمل است در امراض سینه یا ترشح بلغم و در نزله مزمن ریه و گرفتگی و در سوزنگ مزمن اناث بمقدار یک الی ۱۵ نخود در ۲۴ ساعت و در ضیق النفس که بدور باشد باتنبا کو و توتون نافع است .

اشنه - نباتی است کوهی و مستعمل در سرفه مسلولین و در سرفه نزله مفید است .

افستین رومی - نباتی است معروف و از داخل مستعمل است ۱- در ضعف معده و سوء هضم، دم کرده تعفین یا شراب آن را بمقدار کمی ابتداء کنند ۲- در نوبه ۳- در منع تولید کرم معده و امعاء.

اکسیژن - لفظی است یونانی یعنی حامض - طرز حصول این است که بگیرند کلرات دوپتاس - و در قرع افلاطونی متصل به قابله تیزاب و معلق و فرورفته در آب ریخته با چراغ الکلی گرم کنند و بدین نوع ممکن است که شیشه‌های متعدد از اکسیژن پر کرده سر آنها را با چوب پنبه محکم کنند و از صد جزء کلرات دوپتاس ۳۹ جزء از این جسم بخاری حاصل میشود و از ترکیب اکسیژن با آزت هوای تنفس سالم

روزی صد مرتبه این ذکر را گفتن باعث توانگری و بی‌نیازی است
(از سید بن طاوس) حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

حاصل میشود که اثر خاص در امراض دارد اکسیژن محرك آلات تنفسی است و مستعمل در اختناق و مدهوشین از «اتر» و از خارج رساندن اکسیژن بر موضع شقاق قلوبس نافع است .

اکلیل الجبل - نبات معروف و محرك مستعمل در سوء هضم و سرفه خشن و یرقان ابیض و ضماد آن با روغن کنجد و بادام مفید است در تحلیل اورام حادثه از ضربه و ضغطه و لخت های خون مرده در تحت جلد ، آب مقطر آن باقند دوی خیلی مفید است در قولنج بطنی خاصه چون با حیض همراه بود یا از بقولات نفاخه حاصل شده باشد .

اکیرترکی - معروف و مطبوخ دو مثقال آن مفید است در نقاهت امراض و سفوفش مستعمل است بمقدارشش گندم در سیلان خون نفاس خونریزی پس از زایمان

آلش - نام طالشی درخت عظیمی است در آن صفحات که مطبوخ بر گش در شقاق (ترکیدن) دست و روغن هسته آن در حفظ آهن آلات از زنگ زده گی مستعمل است .

انار - پوست ریشه آن دوی حبّ القرع است (کرم های کوچک معده) بدین طریق که ده مثقال از آن پوست تازه را در دو بیست مثقال آب بجوشانند تا نصفش بماند بعد سه قسمت نموده بعد از دو ساعت از شرب در سه روز مسهلی از روغن کرچک بدرقه قسمت اخیر سازند بمقدار کمتر در سایر اقسام (کرم ها) مستعمل است گلش که معروف به گلنار فارسی است از جمله قابضات و مستعمل در اسهال و غرغره آن در نفث الدم و ورم لوزتین و ضماد مطبوخش در خروج مقعد مفید است ثمر آن غذائی خوب و مفید است در تب های مستقله و اسهال و

رفع عطش و پوست ثمر آن در رفع نوبه مستعمل است و از دانه آن بامنگنه روغنی مانند روغن زیتون و کنجد میتوان گرفت .

انجبار - بیخ نباتی است دارای طنین و مستعمل در نزف‌الدم و سوزنک غیر مسری اناث و اسهال مزمن از ریشه آن بمقدار ۶ گندم بعد از سفوف و دو مثقال از مطبوخ آن و غرغره مطبوخش در فساد لثه مجرب است .

انجدان - نباتی است معروف تخم و بیخ آن مدرّی است قوی عصاره الکلی بیخ آن: دو جزء انجدان و دو جزء الکل ۸۵ درجه یک جزء آب ۱۲ روز در محل گرم خیسانیده و فشرده و صاف کرده مصفی را در قرع و انبیک تقطیر نموده الکل را اخذ و بقیه را به آتش ملایم بخشگانند بمقدار ده الی ۳۵ گندم بمقدار منقسم مدر بول و مدر طمث در اختناق رحم دائمی است و دم کرده یک الی دو مثقال از تخم آن در قولنج بطنی بی‌ورم مفید است .

انجیر مطلق - میوه آن مخرج بلغم ریه و افراط در خوردن انجیر تازه و تدهین یا شیره شاخه آن باعث خروج خون بواسیر است این شیره مخصوص رنگ دست است و در تقویت و رویا نیدن مو مستعمل است بدین قسم که در روز موضع مو را به شیره درخت انجیر تدهین نموده در شب باروغن زرده تخم مخلوط با ماش مسحوق تدهین و در هر دوسه روز یکدفعه به زرده تخم مرغ و آب نیم گرم بشویند بی نظیر است در بعضی از تفاسیر قرآن مجید در تفسیر سوره والتین و الزیتون ۲۶ منفعت برای انجیر ذکر کرده اند از جمله در تفسیر جواهر طنطاوی جوهری باز گشت شود .
انقوزه - که حلیت التین گویند - صمغی است بدبو قرمز رنگ

بالکهای سفید که از کهنه شدن، دهن فرارش متصاعد و رایحه و خاصیتش زایل گردد و انقوزه مستعمل است در حبس الطمث و تشنج خاصه در اطفال در امراض عصبانی رحم و مالیخولیا و ضیق النفس و یرقان الابيض و قولنج عصبانی و در سیاه سرفه. قدرش بتش در این امراض از ۶ تا ۱۲ گندم بمقدار منقسم مخلوط به زرده تخم مرغ و آب و الکل و اتر و از همه سهلتر حب آن است که بالعاب کتیرا آلوده ساخته در میان قند نرم سائیده و بخشگانند و مستعمل است: در امراض کوفت و در سقط جنین نیز مستعمل است اما چون ماوارد نیستیم همیتقدر کافی است.

انگور - غوره آن دارای طرطرو مستعمل در مواضع آن و خود انگور مبرد و منضج و ملین و در اورام و حمیات مستقله و فساد و ردائت خون و در برخی از امراض آلات تناسلی و روماتیزم - مویز او در نزله و در اورام خفیه صدریه و معده و امعاء مؤثر است و شیرۀ آنرا نصف قند قابل الانجماد و نصفی غیر قابل است که بواسطه الکل خالص قند غیر قابل انجماد را از قابل الانجماد جدا نموده قند خشک خوب حاصل میکنند - تخم انگور دارای روغنی است مأکول و قابل الاحتراق که از هر خرواری ۱۲ تا ۲۵ من روغن میدهد و شراب حاصل از انگور محرك قوه هاضمه و معده و گرم کننده بدن و موجب ازدیاد ترشحات و مقوی آلات داخله و عضلانی و قوه متخیله و قوه شعریه و بی باکی و تهور است اما «واثمهما اکبر من نفعهما» که مربوط به شراب و قمار است.

اما ضرر شراب - در اشخاص ضعیف و مستعدین به ورم حلق و حلقوم و نزله و ورم مزمن معده و امعاء و نزف الدم و در امراض حمائیه و صفر اویه (هشدار) خواننده محترم این کتاب اینها که می نویسم از خودم نیست عقیده اطبائی مانند ابن سینا و محمد بن زکریا و صدها امثال

آنها است و نیز (عادت آن) مضر است به معده و اشتها و سستی عام و حماقت و بالاخره استعداد به ورم مزمن آلات تغذیه و سرطان و نفرس و سکنه و سنگ کلیه و استسقاء و تکرار آن بالاخره موجب جنون خمیری و رعشه اطراف گردد و در استعمالات طبیه اثرش در غیر معتادین بیشتر است (عیب من جمله بگفتی هنرش نیز بگویی).

موارد استعمال در طب - ۱ - در اطفال بمقدار معین با تجویز پزشک مستعمل است بجهت حفظ صحت از کرم امعاء و خنازیر - ۲ - در استسقاء بجهت ترك مسکرات - ۳ - در عمل جراحی بقصد بی هوشی مریض - ۴ - بجهت رفع عفونت جراحی را با او بشویند .
انکم - صمغی است که از درختان بادام وزرد آلو و آلوچه و غیره مترشح میشوند مرکب است از جزئی که در آب محلول است و او صمغ عربی است و جزء دیگری غیر محلول که نیست مگر کتیرا و هر یک بجای خود مستعمل است .

انیسون - بذری است معروف و مستعمل در قولنج بدون ورم و نضج، بمقدار نیم الی یک مثقال مانند چائی دم کرده یا با شیر بنوشند و نیز مصلح است از برای مسهلات نباتیه در رفع قولنج و در نزله و غیره و عطر (اسانس) انیسون در همین علل مستعمل است ۲ الی ۶ قطره مخلوط به قند کنند .

ختم مجرب دیگر .

از حضرت شیخ بهاء الدین - برای هر مهمی بعد از نصف شب یکصد و یازده مرتبه یا بعد از نماز صبح بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا من لیس فی السموات العلی الی منتهی قرار تخوم الارضین غیاث لاحد شده نزلت به غیرك یا الله فرج ما بنا وانجح طلبتنا فانك اعرف بحاجتنا .

* «(حرف الباء)» *

بابونه - نبات معروفی است و در طب قدیم در موارد زیر مستعمل است ۱- در قدیم بمقدار ۶۵ گندم در رفع نوبه ۲- دم کرده ۲ مثقال آن در قولنج شکم ۳- در ترشح چرک زیاد از زخم های عظیمه بمقدار ۴ الی ۵ مثقال دم کرده گرم یا سرد در مدت دو روز بنوشانند ۴- مطبوخ غلیظ بابونه بمقدار ۸ الی ۱۰ مثقال در نیم من آب جوش داده تا يك چارك باقی بماند و متوالیاً بیاشامند قی آوراست (روغن فرار بابونه) حاصل میشود از تقطیر مکرر گل و برگ آن و این روغن به رنگ آبی و بمقدار چند قطره مخلوط با لعابها و یادر آب قند مستعمل است در هر جائیکه برگ یا گل تجویز میشود و به شخصی که مدت چند سال به وجع (درد) دائمی معده مبتلا بوده در چهار روز از نوشانیدن يك قطره از دهن فرار بابونه مخلوط به شکر و شیر صبح و شب شفای کامل خواهد یافت و نیز بابونه از ادویه ضد تشنج خاص و بی نهایت مفید است در یبوست مزاج حاصله از سوء هضم و حبس حیض زنان ضعیف المزاج و در این صورت آب مقطر او بهتر است از ترکیبات دیگرش - بابونه از خارج مستعمل است بطور مرم هم در رفع درد از کهم های معده و امعاء

در جمیع امراض متعلق به حبس حیض چون با کثرت خون همراه نباشد و نیز مفید است در امراض عصبیه رحم و در کرم معده و امعاء و مقدار سفوفش از گل بمقدار ۲۵ الی ۴۵ گندم وازدم کرده نیم الی یک مثقال در یک فنجان آب جوش حقه بمقدار دو مثقال در مقدار کافی آب در اختناق رحم و نفخ شکم .

بادام تلخ - خاصیت این ثمر بواسطه (آسید پروسیک) است که به سهولت از نیل فرنگی اخذ میشود و ضماد آرد بادام تلخ با سرکه از خارج مستعمل است در نقرس و روماتیزم مفصلی و درز کام از افراط مسکرات .
بادام شیرین - مغزش غذا و از ۱۲ جزء آن ۵ جزء روغن میتوان گرفت ولی الکل مقدار کلی از بادام باعث سوء هضم است و غذائی است مناسب مرض دیابت (مرض قند) که سفید کرده او را با سفیده تخم مرغ خمیر کرده با قند قرص ساخته و بمقدار دوسیرالی دو سیر و نیم در شبانه روز بخورند و شیره بادام که حاصل میشود در صورتیکه یک جزء بادام سفید کرده را نرم کوبیده با ۳۰ جزء آب سرد مخلوط نموده از پارچه نازک صاف نمایند که مایعی است شیری رنگ و با قند بعوض آب در حمیات (تبها) مستعمل و قبل از یک ساعت در وقت خواب نوشیدن آن منوم است .

روغن بادام - از فشردن سائیده بادام حاصل میگردد و شرط نیکوئی آن عدم استعمال حرارت است و این روغن از خارج مستعمل است در اورام و از داخل بمقدار یک الی ۱۰ مثقال بطور مسهل و رفع قولنج و دیدان (کرمها) و در تشنج حاصله از حمله و در مبتلایان سنگ کلیه (شن) و مثانه مستعمل است .

شربت بادام - حاصل میشود از اینکه ۸ سیر بادام شیرین سفید کرده و نیم سیر بادام تلخ را نرم کوبیده در ۲۴ سیر گلاب و یک سیر عرق بهار نارنج مخلوط نموده پس در تابشی شیره آن را گرفته بعد از تصفیه با پارچه شش سیر قند به آن داخل و دوباره صاف نموده در شیشه‌های سر بسته نگاه داشته و با آب سفید شیرین از اشر به دانند و در امراض خشونت پوست دست و صورت مالیدن روغن بادام سبب نرمی و جلای صورت و دست است پوست وسطی بادام غلافی است و دوائی است مناسب در سیاه سرفه بدین قسم که ۲۴ عدد پوست بادام را در ۱۰ سیر آب جوشانیده تا ۵ سیر باقی ماند در ۲۴ ساعت جزئی بمریض بنوشانند و پوست محیط بر مغز مهوع و مستعمل نیست بادام کوهی نیز مثل بادام شیرین است .

باداور - نباتی است بری و برگ و تخم آن مستعمل است جوشانیده برگ آن بمقدار ۲ الی دو مثقال و نیم و در ۲ سیر آب در نوائب مزمنه و جمیع امراض متعلق به نقصان گوارش خون و امراض کبدی و بواسیر و نرف الدم رحمی مقوی بسیار مفیدی است و مطبوخ ۲ مثقال تخم آن معرق مناسبی است در اوجاع عضلانی چون در وقت خواب بنوشند.
بادر نجبویه - که مفرح باشد از جهت محرکات، دم کرده و عرق آن مستعمل است در مالیخولیا و خیالات فاسده و استرخاء و عسر الطمث (۱)
بمقدار یک مثقال آن از تازه و نیم مثقال از خشک آن و عرق حاصله از آن در حین گل کردن با افشره مفرح و هاضم است و عرقیکه از سه مثقال بادر نجبویه و دو مثقال پوست لیموی تازه و دو مثقال جوز بویا و ۵ مثقال تخم گشنیز و ۵ مثقال میخک و ۵ مثقال دارچین که نیم کوب کرده در قرع

گل‌های ارغوان

زجاجی با ۱۵ سیر شراب و ۱۵ سیر الکل ۸۰ درجه ۲۴ ساعت خیسانیده با آتش ملایم تقطیر کنند و مستعمل است در صداع حاصله از امتلاء معده و رفع اثر تر کیده مثل مومیائی و در تزاید شهوت غذا و ازخارج در تحلیل ورم حاصله از ضربه و ضغطه مفید است .

بادنجان - غذائی است جید و ضماد برگ کوبیده و پخته آن با آب دردمل های دردناک و مفصلی بشرطی که صبح و یا شب عوض نمایند رافع وجع و منضج دمل است .

بادنجان فرنگی - از آمریکا بسایر ممالک رسیده مطبوخ آن غذائی است مبرد و مدر و در برخی امزجه موجب اسهال بلغمی و برگش مثل بادنجان مستعمل است .

بادیان - بدل مناسب انیسون است .

بارهنک - معروف و شیره و برگ آن بمقدار ۵ مثقال رافع نوبه است چون یکساعت قبل از نوبه بنوشند، در بزرگی شدن کبد و طحال حاصله از نوبه نیز همین شیره خیلی مفید و رافع امتداد نوبه و در مرهم از خارج نیز جهت انضاج دمل و جراحت مستعمل است و تخمش با سفرزه تفاوتی ندارد .

بارزد - معروف بیالیجه خالص میشود بدین قسم که در الکل ۶۰ درجه حل کرده پس از تصفیه بواسطه تقطیر نصف الکل آن را گرفته مابقی را خشکانیده و برای حب کردن با حرارت دست نرم

در بعضی از تفاسیر معتبره مسطور است در موقع سواری بهر مرکبی این آیه شریفه را بخواند ضرر و سقوطی برای راکب روی نمیدهد آزموده شده است: بعد البسملة سبحان الذی سخر لنا هذا وما كنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون .

نمایند یا بالکل خمیر کنند از خارج محرکی است خفی و از داخل معرق و موجب حرارت جزئی است در معده و مفید است در اختناق رحم و قوائج و ضیق النفس عصبانی و در امراض مزمنه اغشیه مخاطی آلات صدریه و اثرش کمتر از انقوزه و زیادتر از اشق است قدر شربتش از ۱۰ الی ۳۰ گندم است مفرداً و مرکباً .

حب بارزد- بگیرند انقوزه و بارزد و مرمکی بالتساوی بارزد را در الکل خمیر کرده سایرین را کوبیده بدان خمیر مخلوط ساخته حب نیم نخودی بسازند قدر شربت از این حبوب از ۲ الی ۵ دانه است و مستعمل در ادرار طمث و ضد تشنج و اختناق رحم.

ضماد بارزد- بگیرند انجیر ۶۴ مثقال عسل بی موم ۱۶ مثقال بارزد ۸ مثقال در هاون سنگی بقوام ضماد با آب بکوبند و يك عدد زرده تخم مرغ باوی مخلوط ساخته در انضاج دملها معمول دارند .

تعفین بارزد- بگیرند بارزد ۱۰ مثقال الکل ۸۰ درجه ۱۵۰ مثقال مخلوط نموده در محل معتدل نهاده پس از ۸ الی ۱۰ روز صاف نمایند دوائی است ضد تشنج و بدل انقوزه بمقدار ۶۰ قطره مخلوط به زرده تخم مرغ با شربت قند سه نوبت در روز. قطره این تعفین در چشم مفید است در رمده خنازیری و کم قوتی چشم بواسطه مطالعه زیاد و در اختلاج جفنین چون رمان مبلول بدورا بروی جفنین وضع کرده بعد از یک ساعت تجدید کنند.

شمع بارزد- بگیرند سقز ۳ روغن بادام ۲ موم زرد ۸ بارزد خمیر کرده با سرکه ۱۲ با آتش بسیار ملایم مرهم نموده نیم گرم به روی پارچه کشیده در تحلیل صلابت پستان بعد از وضع حمل

مستعمل دارند .

باروت جسمی است مرکب از ذغال و شوره و گوگرد بمقادیر مختلفه و مستعمل است معجون آن با کتیرا بمقدار نیم مثقال در حمیات متصله سپاهیان و حرقة البول و اسهال و ذوسنطایاری و بائی ایشان و در وجع مزمن معده و از خارج مرهمی از باروت و روغن دنبه در جرب مفید است و خمیر باروت با آب مبرد حرارت سمی است در موضع .

باریت - که هم باریوم نامیده شده عنصری است معدنی و سولفات آن بشکل سنک سفید بسیار ثقیل کثیرالوجود در طبیعت در کوهها و چون ۵ جزء از این سنگها را با دو جزء دوده بخاری بادنیه یا روغن چراغ خمیر کرده و در بوته سر بسته بمدت ۴ الی ۵ ساعت گذاشته پس از سرد شدن اجزاء گذاخته را در آب بجوشانند و در حین جوش صاف نمایند و در وقت سرد شدن جسمی شفاف و روشن بلون بلور سفید حاصل می گردد و مرکب از کبریت و باریوم که جمیع ترکیبات باریت از این سولفور دو باریت حاصل میشود .

اکسید دو باریوم - که باریت آکل نامیده شده حاصل میشود از اینکه نیترات بایدورد و باریت را در بوته دهان بازی ریخته آتش دهند تا دیگر بخار از او متصاعد نشود پس مذوب را در ظرف زجاجی از اثر رطوبت معاف دارند جسمی است سفید مایل بسبزی محلول در ۳۰ جزء آب سرد و ۱۰ جزء آب جوش .

یدور دو باریت - بلون ابریشم سفید با کریستالهای سوزنی حاصل میشود از آنکه در محلول کربنات دو باریت بقدری محلول یدور و فر قطور کنند تا مائیت بلون آب صاف شود و شرط عمل در حال جوش

بودن هردو محلول است که در همین حال صاف نموده از سرد شدن
یدور دوباریت منعقد میشود.

برومور دوباریت- حاصل میشود از اینکه محلول جوش کربنات
دوباریت را بمحلول گرم بروموردوفر افزوده و در همین حالت صاف
کرده بگذارند تا مثل تخم زاف عروسان منجمد گردد .
کلرود دوباریت- جسمی است بلون بلور شفاف و حاصل میشود
از اینکه سولفور دوباریت را در اسید کلریدریک حل کرده و محلول
را در ظرف زجاجی بحرارت ملائم خشکانیده بعد در بوتله سرباز گذاخته
در آب جوش حل نموده در همانحال محلول را صاف نموده بگذارند
سرد شود .

نیترات دوباریت- جسمی است سفید رنگ ۳۵ جزء آن در صد جزء
آب حل شود و حاصل شود از آنکه در محلول جوش سولفور دوباریت بحدی
اسید نیتریک قطور کنند تا رایحه تخم مرغ گندیده که متصاعد می شود از او
موقوف گردد پس مصفی را دوسه روز بگذارند تا منعقد شود.
کربنات دورباریت- معدنی آن گاهی موجود است و مصنوعی
آن حاصل میشود چون در محلول نیترات دوباریت محلول گرم کربنات
دوسود قطور کنند تا حدوث رسوب موقوف شود پس از خشکانیدن جسمی
حاصل می شود صعب الانحلال در آب چند آنکه یکجزئش در ۴۳۰۰ جزء آب
حل شود.

استعمالات باریت

اگرچه در امتحانات اتحادتر کیبات باریت معلوم شده ولی کلرور
دوباریت شایع الاستعمال است و استعمال میشود ۱- برای تخدیر حس

عضو و بطوء نبض ۲- در خنازیر و ورم بازو و زانو، حبی مرکب از یک گندم کلرور دوباریت و دو گندم شو کران با مقدار گلقد چارحب نموده هر شش ساعت فاصله حبی بخوراند ۳- محلول ۱۸ نخود کلرور دوباریت در مقدار کافی آب مقطرو ۳ مثقال اسید هیدروسیانیک را در کدورت قرنیه روزی دو دفعه در چشم قطور نمایند ۴- در امراض یابسه مزمنه جلدی حب مرکب از ۳۶ گندم کلرور دوباریوم و ۱۲۰ گندم عصاره شاهتره بامسحوق برگ شاهتره بقدر کفایت ۱۰۰ حب نموده یک الی ۲ مستعمل است و از مقادیر زیادتر موجب بروز علامات سمیه شدید و تریاق آب خالص سفیده تخم مرغ و حین خوردنش پرهیز از اغذیه حیوانیه واجب است.

باقلا- ثمری است غذائی که در طب جز آرد آن را در رساندن دملها مستعمل نکرده اند ولی الحال مطبوخ پوست داخلی آن بمقدار نیم مثقال از خشکیده او در نیم من تبریز آب مدر خاص و مستعمل است در استسقاء و سوء القنیه، نوبه.

بخور مریم- اسم استراکس است که از جنس میعه سائله باشد. بداق- گل معروف و ضماد برگش را که پخته و با آب جزئی کوبیده و با روغن مخلوط کرده باشند در تحلیل ورم کشاله ران که خیارک نامند خیلی مفید و بمزاج خنازیری چون از مطبوخ ۲ مثقال آن در ۵ سیر آب چشمه تغسیل نمایند و چند وقت بمریض بنوشانند مؤثر است.

برم- جسمی است مفرد و خالصش را باید ساخت بدین قسم که آب دریای عمان را مخصوصاً گرفته بواسطه جوش دادن نمک طعام

و سایر اجسام و اجزاء منجمده را از او جدا نموده مائیت صاف که مرکب از برم و طباشیر فرنگی و سودیم است از رسانیدن بخار کار بر آن سودیم و طباشیر آن مجذوب گردد چون بقیه مائیت را بدو وزن خود اترسولفوریک مخلوط نمایند برم مخلوط با تر شده در روی آب بایستد پس با جرّ و علقه از آب جدا نمایند و این اتر محلول برم را بمحلول پتاس اکال مخلوط سازند تا مبدل به (برمات دو پتاس) و برومور دوپتاسیوم گردد و پس با آتش خشکانیده ملح خشکیده را در بوته مکس سازند تا بروماتش به برومور تبدیل یابد پس سه جزء از این برومور دوپتاسم را بادو جزء مسقن و دو جزء ونیم اسید سولفوریک داخل نمایند تا برم خالص در قابله جمع شود و این برم جسمی است رقیق برنگ قرمز تیره سه مقابل سنگین تر از آب و چون قطره از آن را بمنقار گنجشک زنند فوراً بمیرد و مفردش در طب غیر مستعمل است و مرکبهایش را نیز مثل ترکیبات یدیه دانسته اند و بجهت اختلاف برومور دوپتاسیوم مذکور میشود.

برومور دوپتاسیوم - حاصل می شود از اینکه بگیرند پتاس الکل را در ۱۵ مقابل خود آب مقطر حل نمایند پس بواسطه قیف طویل متدرجاً برم خالص در او قطور نمایند و در هر قطره اجزاء را بر هم زنند تا لیموئی رنگ شود پس بجوشانند و پس از آنکه آب های آن بخار شد او را بخشکانند و خشکیده را در بوته ذوب نموده مذوب را در مقدار کمی آب مقطر حل ساخته مصفی را متدرجاً بخشکانند که مرکب است از ۳۳ جزء پتاس و ۶۷ برم و چون بجای پتاس بسودا کال رجوع شود برومور دو سودیم حاصل خواهد شد که در اثر مساویند و

بروموردوپتاسیوم مستعمل است در موارد ذیل :

- ۱- در مرض خنازیر ۲- در خناق بمقدار ۸ الی ۲۴ گندم در روز
- ۳- در بیخوابی زیاد که از تریاك نتیجه گرفته نشود بمقدار ۲ گندم
- بسه دفعه همراه غذا ۴- در صرع بمقدار ۸ گندم بسه نوبت مسکن اقل
- مخفف است ۵- در رعشه زیبقی بمقدار ۳۶ گندم ۶- در جنون نعوظی بمقدار ۱۰۰ الی ۱۲۰ گندم.

برنج- غذائی است عام و نيك ولى خالص آن موجب مستی و بی قوتی و بو داده آن بطور غذا دوائی هندی در اسهال دموی و برنجك که از آن میسازند (یعنی نان برنجی) در ذوسنطاریا (اسهال خونی) مفید است و از خارج چون ضمادش ترش نشده باشد بدل بزرک است.
برنجاسف- نباتی است معروف از جنس افستین و بمقدار يك

در کتاب مقباس و بعضی کتب معتبره مرقوم است هر کس بامداد سه مرتبه و در آخر روز همچنین این صلوات را بخواند معاصی وی آمرزیده شود و شادی او دائم باشد و دعایش مستجاب گردد و روزی او وسیع شود و بر دشمن ظفر یابد و در بهشت از رفقای پیغمبر اسلام گردد- اللهم صل علی محمد و آل محمد فی الاولین و صل علی محمد و آل محمد فی الاخرین و صل علی محمد و آل محمد فی الملاء الاعلی و صل علی محمد و آل محمد فی المرسلین اللهم اعط محمداً الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة اللهم انی آمنت بمحمد و آل محمد ولم اره فارنی يوم القيمة رؤيته وارزقنی صحبتہ و توفنی علی ملتہ واسقنی من حوضہ مشرباً رویاً سائناً هنیئاً لا اظماء بعده ابدأ انک علی کلشیء قدیر اللهم کما آمنت بمحمد صلی الله علیه وآله و لم اره فارنی فی الجنان رؤيته اللهم بلغ روح محمد (ص) عنی تحية كثيرة و سلاما .

مئقال از سفوف و بمقدار ۲ مئقال مطبوخش در تاخیر و عسر الطمث و
عموماً مستعمل است و ۱۸ الی ۶۰ گندم از مسحوق ریشه آن در قولنج
بطنی خیلی مفید است و در صرع مستعمل است .

برنگ کابلی - مقشر تخم آن بمقدار ۱ الی ۲ مئقال متدرجاً
در ۲۴ ساعت دواى هندی است نافع در رفع گرمهای معده و روده است چون
بعد مسهلی از روغن کرچک بخورد.

برودت - که فی الحقیقه قلت حرارت است در طب مستعمل است
۱- در تقلیل حرارت خارجه مثل حمیات (تبها) ۲- در تقلیل حرکت عروق
دم مانند اورام ۳- در تقلیل حجم بعضی از آلات ۴- در تخفیف وجع .
و برودت از آب سرد و اتر حاصل میشود و نیز چون ۵۰ جزء کلرور
دوپتاسیوم و ۳۰ جزء نوشادر و ۱۵ جزء نیترات دوپتاس مخلوط در
۴۰۰ جزء آب حل نمایند هفده درجه حرارت را نزول می دهد و
محلول ۳۰۰ جزء سولفات دوسود و ۸۰ جزء اسید نیتريك در ۱۲۰
درجه حرارت را کم می سازند و همین قسم است چون ۵ جزء شوره
خالص خشك و ۵ جزء نوشادر را سحق نموده بیکدفعه در ۱۶ جزء آب
حل سازند و ظرف شربت و غیره را نیز می توان در این محلولات
سرد نمود.

بزرالبنج - تخم نباتی است معروف و گذاشتن برگ آن مستعمل
در صداع عصبانی که از فشار تخفیف مییابد مفید است در تمدد وضع
پستان بعد از حمل باشیر پخته ضماد نمایند و چون تخم این نبات را به
تنهائی کوبیده با جزئی آب سرشته بر پستان ضماد نمایند موجب خشکانیدن
شیر و عدم ترشح آنست و ورود دود تخم را بر دهان خاصه با قیف چینی

بمدت ۵ الی ۶ دقیقه هر صبح و شام موجب اسکات و جمع دندان کرم خورده است بشرط تکرار این معالجات مجربه و ساده و کم بهاء اما در واقع پربهاست.

اسامی ادویه را تا حرف باء نوشتیم چون کتاب از حال عادی خارج می‌شد بقیه ادویه با ترتیب حروف تهجی در جلد چهارم بعرض خواهد رسید.

علاج قطعی بواسیر و مفاصل و استخوان درد مجرب

آب اسپند پستاندار که در آذربایجان زیاد می‌روید در اول مهر ماه موقعش است بقدر یکمن کوفته و یک چارک نبات عراقی کوبیده مخلوط سازند روزی سه مثقال صبح و عصر و شام هر دفعه یک مثقال بخورد مشروط بر اینکه دو ماه متوالیاً در جلو اشعه خورشید قرار دهند و روزی چند مرتبه او را بهم زده و ممزوج نمایند.

(آزموده است غفلت نشود)

و نیز - نفت سفید را در روی آتش بی‌شعله قرار دهند و فلفل سبز (ببر) کوبیده در توی آن بریزند هر کجای بدن درد کند سر بالا بمالند و مالش دهند تا پوست بدن سرخ شود با پارچه پشمی پیچند تا عرق کند دوسه مرتبه عمل نمایند بهتر شود.

کندر - برای دهانی که بخر دموی دارد به اندازه یک ماش بخورد در روایت معتبر است که هیچ پیمبری نمرد مگر در میان ارثیه آن کندر خوراکی بوده است زن حامله در ایام و یار و اول حملش قدری به اندازه عدس بخورد بچه فهیم می‌شود اما اگر از چهار ماه بگذرد باعث سقط جنین خواهد شد خیلی احتیاط لازم است.

هر که این اسم ادریسیه را بر پوست آهو با مشک و زعفران بنویسد در خانه آن کسی که حاجت دارد دفن کند و اگر از خداوند متعال حاجت می‌طلبد در آستانه مسجد دفن کند و چهل روز هر روز یک هزار و پنجاه مرتبه بخواند قطعاً و یقیناً روا گردد.

یا کافی الموسع لما خلق من عطايا فضله.

تحفه بی نظیر

مرحوم صدوق (ابن بابویه) نقل میکند که بایکی از استادان خود چند روز متعاقب ملاقات افتاد و هر روز می‌دیدم او را که بعد از فریضه صبح بلافاصله قبل از تکلم با کسی چهار قل را به ترتیب میخواند و این دعا را می‌خواند بسم الله الرحمن الرحيم یا مالک الرقاب وهازم الاحزاب و یا مفتاح الابواب و یا مسبب الاسباب سبب لنا سبباً لانستطيع له طلباً بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله - بعد متوجه تعقیبات دیگر می‌شد سؤال کردم به سند صحیح از معصوم روایت کرد که دعائی که مذکور شد هر که بخواند چون به کلمه «سبب لنا سبباً» برسد و حاجتش را از خدا طلب کند از حیث غنی و دفع شر دشمن و قرض و بیماری خداوند کفایت می‌فرماید از همه آنها.

عقرب گزیده - اگر سر گین گوسفند را بسوزاند و با سر که خمیر کرده بمحل نیش عقرب قرار دهد شفا یابد و نیز آب ترب را با آب دهان مخلوط ساخته بمالند درد ساکن شود.

و نیز ریشه درخت زیتون را بر گزیده عقرب بمالند درد ساکن شود تره و پیاز شیرین نیز این اثر را دارد - ایضاً سرکه و گلاب همین طور است.

گلهای ارغوان

ضعف معده - عود صلیب نر و ماده با جوز و گلاب چند مرتبه روی معده مالش دهند و یا هر عضوی که سست و ضعیف است بمالند حرارتی تولید می کند.

ایضاً فوفل نر و ماده را کوبیده در میان گلاب بجوشانند و اندکی نبات در او ضمیمه کنند و باز بجوشانند تا به قوام آید و به طریق سنکنجبین بخورد معده را زبر و قوت دهد.

سودا - (اگزما) آرد عدس آرد جو یاسبوس جو گل خطمی حنا عرق شاه تره . همه را کوبیده با گل ارمنی مخلوط ساخته در حمام بیدنش بمالد.

سستی کمر در نسوان

چون خون حیض زیاده از حد آید مقل را با گلاب بر سر آتش گذارد و با نبات بجوشاند تا قوام آید و بر کمر مالند و صفوف (شیاف) از مقل و نبات و عود صلیب عمل کند .

نسخه بسیار آزموده شده برای درد پا و مفاصل

سورنبجان خولنبجان صمغ عربی صبر زرد سنای مکی مر مکی تخم حنظل مقل ازرق رب ریوند رب السوس از همه مساوی گرفته و کوبیده با روغن کرچک خمیر کرده حب هائی به اندازه نصف نخود بسازد روزی دو عدد صبح و عصر بخورد - مقل کوبیده نمی شود با آب بخیسانند و ممزوج سازد.

برای سنگ کلیه مؤثر است

تخم کرفس ۵ مثقال تخم خربوزه ۵ م تخم کدو ۵ م تخم
خیارین ۵ م نشاسته ۲ م کنیرا ۲ م قند ۱۰ م بر سالیوس ۲ م صمغ عربی

۲ م حجر الیهود ۶ م.

جمعاً ۴۴ مثقال می شود دواها را بکوبند مانند قاووت روزی ۲
مثقال صبح و ۳ مثقال عصر میل کنند .
و نیز نخود سیاه ۲۰ سیر بگیرند برای هر روزی ۱ سیر
نخود سیاه را خوب به پزند آب نخود را بعد از خوردن دو مثقال از
دوای فوق میل کنند بفاصله یکساعت دیگر بمقدار یک چارک شیر
بخورد بکلی سنگ را از کلیه خارج می کند از دواها واغذیه گرم
و محرورین اجتناب نماید.

نسخه مرهم برای هر نوع زخم

روغن کرچک نیم م پیه بز نیم م سقز نیم م موم زرد نیم م زرد
چوبه نیم م مردار سنگ نیم م شمع کافوری نیم م همه را مخلوط کرده
داغ کرده بالای زخم یا دمل قرار دهند.

بخوری برای در دسر

مرزنجوش ۱ مثقال و نیم اسطوخودوس ۱ مثقال و نیم در ۳ استکان آب
بریزند آنقدر بجوشد تا دو حصه اش برود یکی بماند تا سه روز بر
سر و صورت بخور دهند خیلی مؤثر است.
دعا - هر که بول او بسته باشد خواه انسان یا حیوان بر ناخن پا
های او بنویسند گشاده شود به اذن خدا و برای حیوان برسم پاهای
او بنویسند: اهکه مهکه .

اگر خواهی کسی را از مجلسی برخیزانی این مربع را بنویس
با این دو بیت ابوسعید ابوالخیر زیر آن کس بگذار اما نفهمد
فوراً میرود.

این کیدی گبر از کجا پیدا شد

این صورت قبر از کجا پیدا شد
خورشید مرا ز چشم من پنهان کرد

این لکه ابر از کجا پیدا شد

دفع بلا از مسافر

شخص مسافر این اسماء را در نزد خود نگهدارد سالم و غانم
به وطن بر گردد. بطوشیا جبار املوئیا قهارا کها مقتدر اخیاقیوما.

طلب حوائج

از امام صادق علیه السلام رسیده است هر که بعد از نماز چهل مرتبه
بخواند از جایش بر نخواسته حاجتش روا گردد. سبحان الله والحمد
لله ولا اله الا الله والله اکبر. و هکذا هر کس بعد از نماز صبح جمعه
هزار مرتبه بگوید الله الصمد.

تعیین خانه‌های قمر

هر چه از ماه شد مثنی کن پنج دیگر فزای بر سر آن

جای هر پنج از آن ز خانه شمس گیر برجی و جای ماه بدان

مثلاً ۲۵ ضرب در ۲ مساوی ۵۰ به اضافه ۵ میشود ۵۵ و ۵۵ قسمت

بر ۵ مساوی ۱۱ یعنی از برج ثور ۱۱ باید شمرد.

نوع دیگر :

هر روز ز ماه سیزده تعیین کن

پس بیست و شش علاوه و تخمین کن

هر روز از آن ز خانه خورش گیر

میدان در جات مه مرا تحسین کن

فایده- عدد آیات قرآن ۶۲۳۶، مکیات ۴۷۴۸ مدنیات ۱۴۸۸-
سور مکیات ۹۸ سور مدنیات ۱۹.

توسل بحضرت امام رضا (ع)

علامة المفضل محدث قمی رحمة الله علیه در مفاتیح الجنان نقل نموده بجهت سلامتی در سفرها و دریاها بنا بحکایت معروف ابی الوفای شیرازی که رسول خدا را در خواب دید و دستور داد در خصوص توسل جستن دوستان با هلبیت طاهرینش و امام هشتم که به ضامن الغرباء مشهور است این دعا را بخوانند:

اللهم انى اسئلك بحق وليك الرضا على بن موسى عليه السلام الا سلمتني به فى جميع اسفارى فى البرارى والبحار والقفار والودية والغياض من جميع ما اخافه و احذره انك رؤف رحيم.

ايضاً هر گاه به ترسد از خوردن طعامی که مبادا ضرری برساند این جمله را قبلاً بگوید و بخورد اگر شکی داشته باشد انشاء الله از آن خوراك صدمه و ضرری نبیند و ان ضررتنى خصمك على بن ابيطالب (ايضاً) السلام على بن موسى عليه السلام والعن المأمون .

کراراً آزموده ام مؤلف

تشخیص مرض از طعم عرق

قال جالينوس العرق اذا كان مالجا (شور) دليل على غلبة البلغم و اذا كان مرّاً (تلخ) دليل على غلبة الصفراء و اذا كان حامضاً (ترش) دليل على غلبة السوداء و اذا كان حلوّاً (شیرین) دليل على غلبة الدم.

از شرح اسباب نفیسی

مرض‌ها از چند چیز حاصل شود

اتفق الاطباء علی ان جميع الامراض تتولد من ستة اشياء (۱)
 كثرة الجماع ۲ قلة النوم فی الليل (۳) كثرة النوم فی النهار (۴)
 احتباس البول (۵) اكل الطعام علی الشبع (۶) شرب الماء بالليل كثيرا.

چند نسخه موثر و مفید بطور یادگار

اول - برای رفع درد مفاصل و تقرس بطور کلی برای درددست
 و پا که بسیار شایع و متداول شده بخصوص درد پا که آن را داء الملوك
 گویند بطوریکه از ابن سینا نقل شده علاج قطعی آن منحصر است به
 نیش زنبور عسل که به آسانی برای هر کس میسر نیست و این نسخه
 که مینویسم کراراً در مورد اشخاص متعددی امتحان شده است مقداری
 (روناس) را خوب سائیده مخلوط بازرده تخم مرغ نمایند و روی پارچه
 مالیده بالای آتش ملایمی گرم کنند و در وقت درد او را روی موضع
 قرار دهند و محکم به بندند سحر آن را بردارند و با آب گرم محل
 را شستشو نمایند، سه چهار شب عمل کنند درد بکلی موقوف می شود.
 و نیز - نیم مثقال جوهر گنه گنه را در سه مثقال روغن زیتون
 مخلوط نموده و خوب بموضع درد بمالند همان اثر را دارد .

دوم - برای تقویت اعصاب سنبل الطیب اثر عجیبی دارد نظیر
 گنه گنه است از برای تب و نوبه؛ هر گاه يك مثقال سنبل الطیب با يك
 مثقال گل گاو زبان بادو مثقال مغز لیموی عمانی در هشت استکان
 آب بجوشانند تا شش استکان بماند، با نبات یا شکر صبح سه استکان و شب هم
 سه استکان بخورند چند روز مداومت کنند برای تقویت اعصاب و امراض
 روانی بسیار مفید است .

سوم - برای باردار شدن زنان والتذاذ طرفین از جماع مقداری برگ درخت سنجد که آن را در زبان طب (غیراء) گویند خشک کرده و نرم بسایند مانند حنا و بازهره گاو خوب مخلوط کرده موقع خواب مرد آلت خود را به آن آلوده نماید کمک مؤثری می کند برای رسانیدن نطفه برحم زن ولذت فراوان دارد - و شیر گاو میش مخلوط باهل و دارچین و عسل نیز همان اثر را دارد بشرط مداومت و ناشتا بخورد .

چهارم - برای جلوگیری از سرعت انزال که مایه بسیاری از امراض و باعث بسیاری از اختلافات بین زن و شوهر است هر گاه مقداری پوست تخم مرغ را سه روز در سر که تند بخوابانند تا پوست نازک آن جدا شود آنگاه او را در بوته مکلس نمایند مانند زرگرها و با شکر ممزوج نموده صبح ناشتا و وقت خواب به اندازه يك قاشق چایخوری میل کنند بسیار مؤثر است .

همینطور است اگر هسته تمر هندی را در سر که بخوابانند تا پوست قرمز آن جدا شود بعد خشک کرده و با شکر نرم بکوبند وقت خواب سه مثقال بخورند مفید است اما بطبیء الهضم است .

پنجم - برای رفع جرب و بثورات سوداویه که در دست و پا پیدا میشود و گاهی هم به سایر اعضاء سرایت میکند و از امراض ساریه است و آن را امروز (اگزما) گویند و صعب العلاج است اول باید محل را زالو انداخت تا خون فاسد کشیده شود بعد سرشب عضورا خوب با آب چلو که قدری گرم و سوزنده باشد بشویند و آن را نشسته بگذارند تا صبح و روز با آب نارنج یا تفاله نارنج خوب بشویند يك

گل‌های ارغوان

هفته به این دستور عمل کنند بکلی قلع ماده میشود .

ششم - برای دفع دل دردهای کهنه و مزمن و نفخ معده و سوء هاضمه بیست مثقال پوست نارنج ده مثقال سنبل الطیب بیست مثقال پوست نارنگی و بیست مثقال پوست پرتقال را خوب ممزوج نموده ۲۰ رطل آب روی آن بریزند آب تصفیه شده باشد تا ۲۴ ساعت عرق آنها را بگیرند بعد از غذا يك استکان از آن با شکر و بی شکر بخورند .

در مهج الدعوات سید بن طاوس سطور است که بجهت ازاله غم سر بر زانوی خود نهد و هزار بار بگوید بفضلك يا عزيز - مؤثر است .

و نیز از حضرت صادق عليه السلام از عبدالله مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده است هر که این آیه را از سوره مبارکه یس هزار مرتبه بر سیب بخواند و به خورد هر کسی بدهد آن شخص محب حقیقی وی گردد و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاعشينا هم فهم لا يبصرون ، و نیز وارد است که هر کس بعدد اسم خود به این جمله مداومت نماید عسر او به یسر مبدل گردد سیجعل الله بعد عسر یسرا .

در مکارم الاخلاق از معصوم عليه السلام منقول است بجهت زوال غم و محنت و الم و زحمت این عریضه را بنویسد و در آب روان اندازد بکلی مرتفع شود بسم الله الرحمن الرحيم من العبد الضعیف الی المولی الجلیل انی مسنی الضروانت ارحم الراحمین فاكشف عنی ضر ما انا فیہ واكشف عنی غمی بحق محمد و اهل بیته الطیبین الطاهرین .

وسعت رزق - این آیه را نوشته در خانه یا در محل کسبش بیاویزد . خرید و فروشش زیادتر گردد - ولقن مکنناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معاش قلیلا ما تشکرون .

برای وسعت رزق و غنی

از حضرت رسول اکرم منقول است هر که این دعا را در روز جمعه هفتاد مرتبه بخواند تا هفته آینده خداوند وسعتی در رزق وی کرامت فرماید: اللهم یا غنی یا حمید یا مبدی یا معید یا رؤف یا رحیم یا ودود یا فعال اغنی بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عن سواک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین .

در فضیلت سوره القدر

فی الاحتجاج للشیخ الطبرسی قال العالم (موسی بن جعفر علیه السلام) من لم یقرء فی صلواته انا انزلناه فی لیلۃ القدر کیف یقبل صلاته. هر که در نمازهای خود سوره انا انزلناه بخواند چگونه نماز او پذیرفته بشود.؟.

خسته نشدن

علمای علوم غریبه فرموده اند برای خسته نشدن از طی طریق در پوست گوسفند مدبوغ این آیه شریفه را بنویسد با خود همراه دارد از راه رفتن مانده و خسته نمی شود فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً - تا کلمه حدیثاً.

ختم احزاب قرآن

هر که را مهمی باشد ختم کند قرآن مجید را به این طریق بلاشک به مدعا برسد و حاجتش روا گردد - روز جمعه از اول سوره بقره تا آخر سوره مائده روز شنبه از سوره انعام تا آخر سوره توبه یکشنبه از سوره یونس تا آخر سوره مریم دو شنبه از سوره طه تا آخر قصص

سه شنبه از عنكبوت تا سوره ص چهار شنبه از سوره تنزیل تا الرحمن پنجشنبه از سوره الواقعة تا آخر قرآن .

بعد از ختم بسجده رفته بگوید سبح قدوس رب الملائكة والروح، سرازسجده بردارد یکمرتبه آیه الكرسي بخواند و پنج مرتبه بگوید سبح قدوس ربنا و رب الملائكة والروح .

ایضاً هر که را المی و حزنی برسد بگوید اللهم ربی لا اُشرك به شیئاً تو کلت علی الحی الذی لا یموت .

خلاصی از زندان

بعد از فرایض نوزده مرتبه بگوید نجاتاً منك یا سیدی الکریم نجنی و خلصنی بحق بسم الله الرحمن الرحیم - و برای هر حرکتی اعم از قیام و قعود و تکان دست و پا اتصالاً بسم الله الرحمن الرحیم بگوید به تجربه رسیده است.

سلامتی فرزند

اگر زنی را فرزند نباشد یا در شکم ضایع شود این شش آیه را برمشتی شکر بخواند و در آب اندازد و بخورد همان شب موافقه بعمل آورد خیلی مؤثر است و نیز اگر کسی از هوش رفته و غشی عارضش گردد بر دوش راست او بخوانند و اگر کسی بلید و کودن باشد هر روز بخواندن این آیات مداومت نماید باهوش و زیرک گردد و در اول هر آیه بسم الله الرحمن الرحیم بگوید: ۱- بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله السميع البصير الذی لیس کمثله شیء و هو بکل شیء علیم ۲- بسم الله - بسم الله الخلاق العلیم الذی لیس کمثله شیء و هو الفتح العلیم ۳- بسم الله - بسم الله السميع العلیم الذی لیس کمثله شیء و

هو العليم الخبير ٤ - بسم الله - بسم الله السميع البصير الذي ليس كمثله شيء و هو العزيز العلى برحمتك يا ارحم الراحمين ٥ - بسم الله - بسم الله العزيز الكريم الذي ليس كمثله شيء و هو العزيز الكريم ٦ - بسم الله - بسم الله العزيز الرحيم الذي ليس كمثله شيء و هو العزيز الرحيم .

بجهت درد سر و درد گوش دست بر آن گذارد و هفت مرتبه بگوید اعوذ بالله الذى سكن له ما فى السموات و ما فى الارض و هو السميع العليم.

دستور نیایش بدرگناه قادر لایزال

اگر کسی را جراحی باشد و بهیچ دارو خوب نشود این دعا را سه مرتبه بخواند و بدمد و هکذا برای سلامتی در سفر و برای تسهیل در وضع حمل نوشته بر ناف آن زن بزدند آسان تر فارغ گردد، و هر گاه در کشوری گرانی شود و ارزاق کم شود باید مردم وضو سازند و بر مصلى روند و دو رکعت نماز بخوانند در رکعت اول حمد و سوره توحید بخوانند با این دعا و در قنوت رکعت دوم نیز این دعا را بخوانند خداوند متعال نعمت های خود را به آن مردم زیادتر گرداند و فوائد زیاد دیگری هم در فضیلت این دعا نوشته اند .

بسم الله الرحمن الرحيم يا الله ٣ مرتبه يا رحمن ٣ مرتبه يا رحيم ٣ مرتبه يا الله ٣ مرتبه يا الاله الا انت يا الله الرحمن الرحيم يا الله الملك القدوس يا الله السلام المؤمن المهيمن العزيز يا الله المتكبر الخالق البارئ يا الله المصور الغفار يا الله الخالق الخلاق يا الله القابض الباسط يا الله الفتاح العليم يا الله الخافض الرافع المعز المذل يا الله السميع البصير يا الله الحكيم

العدل يا الله الشكور الرؤف يا الله الحليم العليم يا الله العلي الكبير يا
الله الحفيظ المغيث يا الله الحسيب الجليل يا الله الكريم الرقيب يا الله
الواسع الحكيم يا الله لا اله الا هو ، عليه توكلت و هو رب العرش العظيم
وصلى الله على محمد وآله اجمعين .

بجهت دردشکم - دست برشکم بمالد هفت مرتبه بخواند اللهم

اني اعوذ بك و بعزتك و قدرتك من شر ما اجد في بطنى .

جهت درد سر و درد چشم - اول طلوع صبح پنجشنبه اينلوح را

نوشته بر سر بندر که مجرب و آزموده است و نیز برای زبان بندنیز
باخود دارد

ص	ط	ق	م
م	ق	ط	ص
ط	ص	م	ق
ق	م	ص	ط

هسح هسح ۱۱۱ ۹۳۲ ۱۰۰ ۳۳۱ ۳۳۱ ما

و نیز برای درد شقیقه نوشته و هر شکلی را بطرفی بچسباند:

دل م ۸۷۱۱۹۸۴ ۱۱۱ ۱۱۱ ۲۹۱۳۷۶۶ ۱۱۱ ۱۱۱ را

معالجه - شخصی بیکی از ائمه اطهار ع از ناخوشی جلدی
برص (سیاه و سفید شدن پوست بدن) شکایت کرد آنحضرت فرمودند

در حمام حنا و نوره را مخلوط کرده به آن محل بمالد و آن شخص به دستور امام علیه السلام عمل نمود و صحت یافت .

معالجه - مأمون الرشید همیشه از دهانش بوی کریه و بداستشمام می شد به حضرت امام رضا علیه السلام عرض نمود آنحضرت دستور دادند از رگ زیر زبان فصد کند و بدین وسیله شفا یافت .
و برای همین منظور مسواک کردن و مختصر کندر سفید خوردن خیلی مجرب است .

ایضاً در صورت متوکل عباسی ماده ای حادث شد و بهیچ وسیله خوب نمی شد و سروا نمی کرد به همه اطباء رجوع کرد ، نتوانستند علاج کنند به حضرت امام هادی علیه السلام عرض کرد آن حضرت در همان مجلس امر فرمودند قدری پشگل گوسفند و گلاب آوردند و مخلوط کرده و در روی پارچه به بالای آن محل انداختند و امر کردند برود و استراحت کند در مدت قلیلی سروا کرد، و کثافات ریخت و راحت شد .

فایده - برای هر نوع ورم (آماس) قدری صبر و انیسون و گشنیز ترا باهم سائیده و بمالند .

فایده - از برای حبس بول (پندر) را جوشانیده و قدری آب گرم او را بنوشند و بعد از آن احلیل را در آن آب گرم بگذارند و نیز جگر را در آب گرم جوشانیده احلیل را در آن بگذارند و نیز یک درم و نیم پوست خر بزه را کوفته و بیخته سفوف نموده میل کنند در میان طشت آب گرم بول کند و غذا شور با با برنج میل کنند .

(از شرح وجیز بوعلی سینا)

برای حاجات مشروعه

دو رکعت نماز حاجت بخواند و بعد از فراغ دوهزار و پانصد مرتبه بدون تکلم در يك مجلس بگوید که بعضی جمع عشق روا گردد. (فایده جلیله) امام سجاد علیه السلام میفرماید پدرم امام حسین علیه السلام در وداع آخر به خیمه آمد و فرمود فرزند! مادرم زهراء علیه السلام از جدّم روایت کرد که در مواقع خطیر و ایام غم و غم این دعا را هر که بخواند آن مصیبت برای او آسان گردد:

بحق یس و القرآن الحکیم و بحق طه و القرآن العظیم یا من یقدر علی حوائج السائلین یا من یتعلم ما فی الضمیر یا منقس عن المکر و بین یا مفرج^۲ عن المغمومین یا راحم الشیخ الکبیر یا رازق الطفل الصغیر یا من لا یحتاج الی التفسیر صل علی محمد و آل محمد و افعل بی - حاجات خود را طلب کند.

روا شدن حاجات

از ابو سعید ابو الخیر منقول است هر که حاجت مهمی داشته باشد بالباس پاک حمام رفته غسلی به نیت او یس قرنی کند وقتی از حمام خارج شد بعد از نماز صبح یازده مرتبه بگوید یا مشهور یا خفی الالطاف تا یازده روز بلکه تا چهل روز مداومت کند و رباعی زیر را نیز بخواند اگر حاجتش روان شد لعن کند مرا.

مشهور و خفی چو گنج اقیانوسم پیدا و نهان چو شعله از فانوسم
قصه در این چمن چو بید مجنون می کوشم و در ترقی معکوسم

(از يك جنگ خطی نوشته شد)

مرحوم علامه مجلسی در عین الحیاة گوید از جمله چیزهایی که شیخ بهاءالدین محمد عاملی -ره- بتوجهائمه هدی رسید به سبب ذخایر اوست یکی آنست که برای فراخی روزی از ممر حلال که بدون گمان برسد باید در وقت صبح صادق اسم یا رزاق را از چهار طرف بخواند که عدد آن بهر يك از اطراف ده مرتبه بعمل آید و در هر مرتبه سوقع گفتن اسم یا رزاق یکی از انگشتها را عقد کند تا حساب انگشتها تمام شود و بعد از آن بگشاید و به آن طرف اشاره کند تا چهل تمام شود بعد از آن بطرف دیگر ایضاً بهمان طریق این عمل در وسعت رزق اثر معجزه آسایی دارد .

نسخه برای سیاه سرفه اطفال .

پوست نارنج را جوشانیده با مقداری اسفرزه و قدری نبات تا پنج روز چند قاشق بخورد .

فائده از طب یوسفی

از پرستوك اگر خوری لحمش دید، را روشنی کند حاصل خون او را چو زن بیاشامد شهوت زن همه شود زایل دفع قولنج - هر که بوته زر گران را با سیر بکوبد و صاف کرده و حبی بخورد در حال قولنج را بگشاید .
جالینوس گوید: هر که سیر بسیار خورد معده را قوی گرداند و لرزه لقوه را از دست و پا زایل گرداند و سستی اندام را می برد اما درد شقیقه آورد و صفرا را بر انگیزاند و خون بسیار آورد و هر که

آب سیر با زهره گوسفند بجوشاند و در گوش چکاند گرانی گوش را به برد .

هر کدرا بول بسته باشد گوشت خار پشت بخورد خوب شود اگر با سر که بخورد بهتر است .

هر که را گلوله و میخ در تن فرو رود سرموشی را دونیم کرده روی آن گذارد در آید .

هر که را علت ریه باشد چند روز شربت کاسنی بخورد خوب شود .
هر که دندانش درد بگیرد سیر را بریان کرده زیر دندان بگذارد دردش ساکن گردد .

هر که موی سرش ریخته باشد پوست سیر را بسوزاند و خاکستر آنرا باروغن کنجد ضم کرده بر آن موضع بگذارد موی ریخته مجدداً میروید .

برای مرض سپرز - گوشت خر گوش را با عسل بخورد خوب گردد .

هر که پیه خر گوش بر خود مالد سرما بر او کارگر نشود اگر خون خر گوش در چشم کشد موی زیادی را به برد .
هر که را آماس باشد ریحان را بکوبد و به آن محل قرار دهد بر طرف سازد .

هر که بواسیرش بیرون آید ریحان را بکوبد و بگذارد بمحلش بر گردد و اگر تخم کرفس را بجوشاند و آب آن را صاف کند بخورد آماس و درد قولنج را زایل سازد .

هر که تخم کرفس را با شکر بخورد دل را قوت و عمر را

دراز گرداند .

هر که تخم شلغم را بناشتا بخورد درد پهلو و سینه را سود دارد و سردی را بر طرف سازد و اگر دست و پای کسیرا سرما برده باشد شلغم را با گوشت به پزدو بخورد و نیز شهوترای بیفزاید و طبع را نرم گرداند .

ابو اسحاق گوید هر که شلغم پخته در حمام بخورد مالد خشکی پوست را به برد و مویش دیرتر سفید شود .

هر که تخم شبت و ریحان بخورد خون از شکم باز دارد اگر کسی ریحان را بکوبد و صاف کند سه شب بن دندان گیرد دندان سخت شود .

هر که گوشش سنگین شود ریحان را باروغن کنجد به پزد در گوش چکاند گرانی گوش را ببرد .

هر زنی آبستن نشود نرگس را بکوبد و فتیله کند به آب نرگس و بخود گیرد مرد با او همبستر شود بار گیرد .

هر که آب نرگس را به چشم خود بکشد شبکوری را ببرد .

هر که درد سر باشد لاله را کوفته و بر پیشانی خود بندد .

برای سردردهای شدید و نیم سر و هر نوع صداع ریحی با بونه يك مثقال اسطوخودوس يك م مرزنجوش يك مثقال کوبیده بجوشاند و پارچه در سر خود اندازد و بخورد دهد شفا یابد .

و این نسخه دو مرتبه نوشته شد از کثرت فایده .

برای کمی قوه باه جودانه و خرما و عسل معجون ساخته

روزی يك حب بخورد .

برای کمی حافظه - روزی يك حب كوچك (سُعد) بخورد
 برای سرطان جودانه‌ها آرد کرده با پیه فرس البحر تا سه روز بخورد
 این غرغره در امراض دهان مفید است بویژه در ورم و جراحت
 آسید بوريك ۲۰ گرم کلرات دوپتاس ۲ گرم
 گلسیرین ۱۲ گرم روزی دو مرتبه غرغره کند

دفع کرم‌های ریز معده

پوست و ریشه و ساق درخت انار - ۴ الی ۶ گرم پوست تازه یا
 ساق یا ریشه او را در ۷۵۰ گرم آب جوشانیده تا آنکه نصف شود بعد
 صاف نموده ، سه ساعت به سه ساعت تدریجاً بنوشانند و روز بعد اگر
 کرم دفع نشد يك مسهل ملایم بدهند .
 جهت عرق النساء و روماتیزم حاد و مزمن محل درد را
 چرب کنند .

اسانس دو طربانتین ۳۰ گرم لدانم سیدانم ۴ گرم روغن بابونه
 ۶۰ گرم، در روز دو مرتبه ماساژ شود .

چند دستور مفید

جهت صدا گرفته - ریشه شیرین بیان را دم کرده بخورند.
 جهت نقرس و عرق النساء (قرص اتونان) روزی دو عدد .
 جهت ورم سینه و دهان غرغره کند (کلرات دوپتاس ۵ گرم
 در ۱۰۰ گرم آب مخلوط کرده بخورد .
 جهت خارش و حکه آلات تناسل و فرج
 کلرات دوپتاس ۵ گرم در ۱۰۰ گرم آب بشویند ایضاً در شقاق
 پوست ختنه گاه شستن با محلول کلرات دوپتاس مفید است .

جهت سرماخوردگی بچه از این روغن به پهلویش بمالند .

کافور ۲ گرم روغن زیتون خالص ۵۰ گرم .

رفع كك و مك صورت

رب لیموترش دو مثقال . گلسیرین - روغن زیتون مساوی

مخلوط کرده وقت خواب بمالند

و نیز آمونیاك دو مثقال الكل ۱۰ مثقال در نیم بطری آب مقطر

حل کرده روزی سه مرتبه بمالند .

برای بوی بددهان

مویز پاك کرده خوب از هسته در آمده بابرک مورد تازه -

مساوی کوفته باهم مخلوط کرده به اندازه فندقی در هر صبح يك

دانه بخورد .

برای زخم‌های کوفتی سداب ابله به مقدار مساوی کوبیده

به روی زخم بپاشند خیلی مفید است .

یادگار

فایده - در هر دعا و ختمی اجازه از صاحب نفسی لازم است مگر

سه ذکر یکی صلوات است و دیگری استغفار خصوصاً برای اولاد ذکور

و ثروت و سعۀ رزق .

سوم نام مبارك علی به این طریق که بعد از نماز صبح و بعد از

نماز عشاء پس از صلوات و تسمیه یکصد و ده مرتبه اسم علی بگویند

بعد از ختم عدد دستها را بطرف بالا مقابل صورت گرفته یکبار این

دعا را بخواند .

اللهم انك قلت ناردعليامظهر العجائب تجده عونالك في النوائب
فناديته ليظهر علي من عجائب آثار ولايته و غرائب اسرار امامته حتى
ينجلي كل همي و غمي بولايته يا علي ادر كني بسر ولايتك الخفي الجلي
باز صلوات و بسم الله گفته و دستها را بصورت بکشد چون شرط تاثیر
این ذکر آن است که بازبان روح و توجه گفته شود پس آنقدر باید
مداومت نمود تا توجه حاصل شود زیرا که توجه لطیفه سربه ولایت
است در احوال خاصه حاصل میشود .

ما باده می خوریم و حریفان غم جهان

روزی بقدر همت هر کس مقدر است

این پماد به جهت اگزما بکار میرود .

روغن بادام ۵۲ گرم پارافین ۱۵ گرم موم سفید ۸ گرم

آسید بوریک ۱۵ گرم

این پماد بسیار مفید است در ورم‌هایی که در بعضی از مواضع صلبه

پیدا میشود و در پای اشخاصی که عرق متعفن میکند و در پای اطفال
جدید الولادة روزی یکمرتبه با دقت پانسمان شود .

آسید بوریک ۶ گرم یم دوپرو ۵۰ سانتی گرم - وازلین ۳۰ گرم .

برای دل درد کهنه یا تازه آزموده شده است .

زنیان ۲ مثقال بادیان ۲ مثقال زیره سبز ۲ مثقال ریوند چینی

۱ مثقال تخم گشنیز ۱ م نبات بی جوهر آنقدر که شیرینش کند

زنجبیل ۱ م دارچینی ۱ م خاکشیر ۱ م

برای باز کردن آواز به اندازه يك گندم کلمل مؤثر است

و با آب نوشادر که فرو نبرد غرغره کند .

مرهم مؤثر

برای عضو ضرب خورده و کوبیده شده .

پیه بز ۱ م صعبون ۱ م کافور ۱ م روغن کرچك ۳ م

مخلوط نموده و بجوشانند تا قوام آید و سفت شود روی آن

محل بندند .

فایده

مدت طلوع هر يك از دوازده برج از مشرق .

حمل يك ساعت و بیست دقیقه

ثور ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه

جوزا ۲ ساعت

سرطان ۲ ساعت و ۲۰ دقیقه

اسد ۲ ساعت و ۲۰ دقیقه

سنبله ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه

میزان ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه

عقرب ۲ ساعت و ۲۰ دقیقه

قوس ۲ ساعت و ۲۰ دقیقه

جدی ۲ ساعت

دلو ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه

این رباعی از حضرت امیر علی علیه السلام است بجهت مهمات صد مرتبه بخوانند.

بسیار تجربه شده است .

حمداً لك رب نجنى منك فلاح
شكراً لك فى كل مساء و صباح
من عندك كل فتح باب و فتوح
افتح لى ابواب فتوح و فتاح

فایده

هست مروی از امام مقتدا
وز شهنشاه نجف شیر خدا
هر که خواند پنج سوره پنج وقت
میشود حاجات او بی شك روا
صبح یاسین ظهر فتح و عم عصر
ملك مغرب واقعہ بعد از عشا
در شب نیمه شعبان گل خطمی و برگ مورد را بجوشاند و سه
مرتبہ ایندعا را بر او بخواند و روی خود را با آن بشوید تا شب برات
دیگر از همه بلاها محفوظ باشد خصوصاً از وبا و طاعون و مرگ مفاجات
و خوره و برص به برکت ایندعا محفوظ باشد و برکت در عمر و فتح
و نصرت او را حاصل شود اینست دعا اللهم صحح جسمي و اكتب في
السعداء اسمي و حببني في قلوب الصالحين و اصرف عني شر جميع الظالمين
برحمتك يا ارحم الراحمين .

پروگرام درجه حرارت بدن

در موقع نبودن درجه حرارت می توانید مطابق این جدول که
پروگرام درجه حرارت است استفاده نمائید به شرط اینکه با دقت
هر چه تمامتر رسیدگی به نبض و نفس مریض نموده تا درجه حرارت
معلوم شود :

تَب	نَبْض	نَفْس	تَب	نَبْض	نَفْس
۴۲	۱۸۰	۸۰	۳۸	۱۰۰	۴۰
۴۱/۵	۱۷۰	۷۵	۳۷/۵	۹۰	۳۵
۴۱	۱۶۰	۷۰	۳۷	۸۰	۳۰
۴۰/۵	۱۵۰	۶۵	۳۶/۵	۷۰	۲۵
۴۰	۱۴۰	۶۰	۳۶	۶۰	۲۰
۳۹/۵	۱۳۰	۵۵	۳۵/۵	۵۰	۱۵
۳۹	۱۲۰	۵۰	۳۵	۴۰	۱۰
۳۸/۵	۱۱۰	۴۵			

اضافات و مستدرکات علمی

فلاسفه سه روح ذکر کرده اند و برای هر کدام مرکز قائل

شده اند .

۱ - روح نباتی - که مرکز آن کبد است و منشاء اعمال و

آثار نباتی می باشد .

۲ - روح حیوانی که روح بخاری نیز نامیده میشود و مرکز

آن قلب است و اعمال حیوانی از آن سرچشمه می گیرد .

۳ - روح انسانی که مرکز آن دماغ و منشاء آثار انسانی

می باشد .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ کمیل بن زیاد که از نفس

سؤال میکند - نفس را چهار قسمت می فرماید نفس نامیه نباتیه که

انبعاث آن از کبد است و قوا و خواصی دارد .

نفس حسیه حیوانیه که انبعاث آن از قلب است و خواص و قوایی دارد .

نفس ناطقه قدسیه که محل انبعاثی ندارد و قوای آن فکر و ذکر و علم و حلم و نباهت و خاصیت آن نزاکت و حکمت است .
نفس کلیه الهیه که دارای پنج قوه است بقا در فنا و نعمت در حال زحمت و عزت در عین ذلت و دارائی در عین ناداری و صبر در حال بلا و دو خاصیت دارد رضا و تسلیم و مبدء آن از طرف خداوند و برگشت آنهم بخداست اینست معنی انالله وانا الیه راجعون .

هوائی که استنشاق میشود اکسیژن آن برای حیاة بدن ضروری است و در ضمن گاز کربنیک که مورد احتیاج بدن و قابل جذب نیست دفع می‌شود و اکسیژن بواسطه تنفس ریه ، داخل خون و از خون به نسوج بدن منتقل می‌شود و در عوض اسید کربنیک که در نتیجه احتراقات بدنی حاصل شده از نسوج وارد خون و از خون بهوای داخل ریه برمی‌گردد و از آنجا خارج می‌شود و به این ترتیب بک تبادل دائمی بین اکسیژن و اسید کربنیک هوا و بدن موجود است که نتیجه تنفس می‌باشد و از ضروریات اولیه حیاة شمرده میشود .

تنفس

انسان بطوریکه دانشمندان فیزیولوژی تعیین کرده‌اند در سن رشد چهارده تا شانزده مرتبه در هر دقیقه نفس میکشد و در هر دم فرو بردن (شهیق) مقدار نصف لیتر هوا وارد ریه میشود و بنا براین در هر بیست و چهار ساعت ظاهراً باید در حدود ده هزار لیتر هوا برای تنفس کافی باشد ولی اینطور نیست چون در تنفس انسانی در هر ساعت

با هوای زفیری یعنی (دم بر آوردن) مقداری که از اسید کربنیک خارج می شود برای فاسد کردن ده هزار لیتر طیفی کافیت از این رو در هر ساعت تقریباً ده هزار لیتر هوای خالص برای تنفس احتیاج داریم .

مراتب هضم

پزشکان قدیم مراتب هضم را چهار قرار داده اند و از آنها بطبع نیز تعبیر شده است .

هضم اول در معده است که در آنجا مواد غذائی به یکدیگر مخلوط شده و کیلوس نامیده شده که شبیه بکشک آب می باشد و این عمل مکانیکی معده است و عمل شیمیائی آن عبارت از ترشح عصیر معدی است که ورود و شرح آن مفصل است .

هضم دوم در کبد است که بر اثر امتزاج کامل مواد غذائی زاید از روده ها دفع می شود و زبده و خلاصه کیلوس وارد کبد می گردد و تولید اخلاط چهار گانه خون بلغم سودا صفرا میکند که آنرا کیموس گویند هضم سوم در عروق است که خون در رگها منتشر می شود و هضم چهارم در اعضاء است که هر یک از آنها مواد مورد احتیاج خود را جذب میکند .

ولی نخستین مرحله هضم در دهان است که تاثیر مهمی در عمل هضم های داخلی دارد و دارای عمل مکانیکی جویدن و عمل شیمیائی صالح قرار دادن مواد غذائی است برای دخول در بدن که توسط موادی که بزاق مینامند انجام می شود و هر چه بیشتر غذا جویده شود این عمل کامل تر می گردد و در علم و ظایف الاعضاء (فیزیولوژی) عمل هضم را بطور کلی دارای سه مرحله - هضم در دهان - هضم در معده هضم در امعاء ذکر کرده اند - (از کتاب فیزیولوژی)

حنیفیه یعنی طهارتی که ابراهیم علیه السلام آورد تا روز قیامت نسخ
نمی‌شودده چیز است پنج از آنها در سر و پنج از آنها در بدن است اما
آنهائیکه در سراسر است :

شارب گرفتن - ریش گذاردن - کوتاه کردن موی سر و مسواک
و خلال کردن .

اما آنهائیکه در بدنست (تراشیدن موی زاید بدن ختنه کردن
و ناخن چیدن و غسل جنابت و طهارت استنجااء با آب است .

از تفسیر صافی ص ۴۷ اگر چه این روایت را بعضی غیر معتبر می-
دانند اما چون از مرحوم فیض در صافی نقل کرده بود یادداشت گردید .

اوزان و مقادیر

(مصطلح در طب قدیم و قرابادین‌ها به ترتیب حروف تهجی)

الف

اوقیه - ۴ مثقال است

اوستار - ۱۵ »

ب

باقلای اسکندریه :

۹ قیراط یا ۳۶ جو مصریه ۴۸ جو یا یک درم

یونانیه ۲۴ جو یا نیم درم اصل باقلا نیم درم است

بردار کبیر - مانند اوقیه است بردار صغیر - ۱ درخم است

بستون کبیر - ۹ اوقیه است صغیر - ۶ درخم است

بندقه - یک درهم است بونوس - ۱ بولس است

ت

تالان واحد وزن یونانی است معادل با - ۲۶ کیلو گرم

و هر تالان طلا مساوی می شده با ۵۶/۰۰۰ فرانک طلا و

هر تالان نقره با ۶۰۰ در ۵ پنجهزار و ششصد فرانگ طلا .

خ

خرمه یا خرما - يك دانگ و نیم یا ۴ مثقال است .

د

دانگ - دانق - ۸ جو یا ۲ نخود ، دام ۴ مثقال

درحم - يك ربع مثقال . درم (درهم) ۲۰ جو ، نیم مثقال یا

۳۰ مثقال ، درخمیان ۶ درخم است

دورق ۳ رطل که یکمن و نیم است . دورق انطاکیه ۲۴ قسط است

دورق بغداد ۴ رطل است دینار ۶ دانگ است

حرف الراء

رطل ۹۰ مثقال (۲۰ استار است)

رطل بغداد ۱۹ سبر و نیم من عراقی ۱۲ اوقیه

رطل مدنی ۱۲۰ اوقیه است رطل مکی ۱۰۰ مثقال است

رطل وقف ۹۰ مثقال است

حرف السین

سامونا ۲ قیراط است . سرا بیون ۱۳ درم است

سعل ۸ اوقیه ، سکوچه کبیره ۹ اوقیه

سکوچه صغیره ۳ اوقیه سکرچه مطلقه ۲۷ مثقال است

سیر يك استار است ۱۵ یا ۱۶ مثقال سیر هندی يك من است

حروف الشین

شالغ نیم قفیز بغدادی است شامونه ۱۰ ر ۵ من

شعیر یا شعیره (جو) ۶ خردل است

حرف الصاد

صاع ۸۱۹ مثقال یا ۸ رطل یا ۴ من است

صدفه ۹ اوقیه صدفه کبیره ۱۶ شامونه

صدفه صغیره ۶ شامونه، صدفه ۱۲ قسط است

حرف الطاء

طالون ۹ اوقیه است. طالیطون ۱۲۵ رطل = ۱۲ اوقیه

طسوج ۲ جو، طولون شراب ۲۰ اوقیه روغن ۹ اوقیه عسل

۱۳ اوقیه.

طولون اصلی ۹ اوقیه

حرف العين

۲ دانگ

عرافا -

حرف الفاء

۱۰ مثقال

فسخ

۱ مثقال ونیم

فلنجار

۲ مثقال

فلیخون

۱ اوقیه و نیم است

فوانوس

حرف القاف

اندازه که باسر انگشت بگیرد (۴ نخود است)

قبضه

یک اوقیه ونیم

قراس

۳ اوقیه

قراموس

قسط انطاکی - ۴ رطل ۱۶ اوقیه ۱۳۵ مثقال

« شراب و عسل - شراب ۲۰ اوقیه عسل ۱/۵ رطل

۲۴ اوقیه

قسط قطر

قیروتی	۱۸۰ مثقال
» مصری	۱۸ اوقیه ۱۳۵ مثقال
« قنطار	۱۰۰ اوقیه ۱۲۰ رطل
قوانوس - اقواسوس	۶ مثقال
قوطلیل	۷۲ مثقال
قیراط	۴ جو یک نخود است

کاف

کرمه	۶ قیراط ۲۰ دانگ
کزفه	۴ مثقال یا ۶ قیراط
گرام	۵ نخود است
کف	۶ مثقال
کوز ۶ قیراط	کوزة الدهن ۱۴۸ آستار
کوزالطلاء ۶۰ آستار	کوب ۳ رطل
کیل ۳ من است ۲۰۰ درم	کیله ۳۰۰ درم و کسری است
کیلجه	۱/۵ رطل ۶۰۰ درم

حرف اللام

لیور	وزن در کشور شوروی - واحد وزن معادل نیم
کیلو گرم	لیله ۸۰۰ درم

حرف المیم

ماطراطیس	۷۲ قسط ، مامیر	۲۵ آستار
ماشه	ربع مثقال	مد - ۲۹۲ درم است
مسطون کبیر -	روغن ۳ اوقیه عسل ۴/۵ اوقیه	

مئقال	۹۸ جو ۶ دانگ یا ۲۴ نخود
مسطول صغیر	۶ درخم - ۹ درخم
مشر به	۶ وربع استار. مکیال نام پیمانهاست
منا	۱۸۰ مئقال ۲۴ اوقیه من انطاکی ۱۶ اوقیه
من رومی	۲۰ اوقیه من مصری = من انطاکی
من وقف	طبی ۴۰ سیر است
من	۱۸۰ مئقال یا ۲۶۰ درم است
مکوک	۳/۵ استار ملعقه ۲ مئقال
ملعق	از عسل و معجونها ۴ مئقال

ن

ناطل (نیفل - ۲۹ اوقیه ۷ مئقال . نش نیم اوقیه

نوات ۳ مئقال

و

وسق ۳۲۰ رطل وقر ۲۴ کیلچه است

تطبیق اوزان و مقادیر

مئقال صیرفی ۴ دانگ است و هر دانگ ۶ نخود و هر نخود

۴ گندم پس یک مئقال صیرفی (نه شرعی) معادل ۲۴ نخود و یک مئقال

شرعی ۱۸ نخود است .

من تبریز به حساب مئقال ۶۴۰ مئقال است و من تبریز هزار

مئقال است که من جدید گویند که در زمان عباس میرزا ولیعهد ایران

معمول شده من تبریز در عصر غازان معمول شده است گوشت و جو

گندم و هیزم و نان و روغن و برنج و هر نوع میوه را که تر باشد

هزار مثقال وزن میکنند اما قندو شکر و ادویه را با من تبریز که نه عباسی گویند ۶۶۰ مثقال است .

پوط - و گروانکه که وزن روسی است يك پوط ۴۰ گروانکه یازده گروانکه ۴۴ مثقال یکمن جدید است یعنی هزار مثقال، يك مثقال روسی ۲۲ نخود ایران است .

قیراط معادل ۴ گندم و نیم است ۲۲ قیراط يك (م) است درهم که در مملکت عثمانی قدیم معمول بوده نیم مثقال يك درهم است حقه که او قیه یا قیه گویند و يك حقه معادل چهار صد درم عثمانی است يك درم ۴ دانگ است يك دانگ ۴ قیراط عثمانی است که هر قیراط يك نخود ایران است يك قیراط ۴ گندم است يك م عثمانی ۲۴ قیراط است که يك درهم و نیم باشد .

يك باتمان عثمانی ۶ حقه است يك قنطار ۴۴ حقه است يك چکی چهار قنطار است .

طوله - وزن هندوستان، است يك طوله معادل دو مثقال و نیم است يك رطل هندوستانی چهل طوله است .

اونز - يك اونز معادل ۲۶ و نیم دانگ است .

وسق کیلی است که به حسب وزن ۶۰ صاع و به عبارت ساده

(۵۷/۵) من تبریز و ۶ سیر و ۴ م می باشد .

قفیز - کیلی است که وزن آن ۱۲ صاع یا (۱۱/۵) من تبریز

و ۲۰ مثقال میباشد .

اردب - (به کسر همزه و سکون راء و فتح دال و تشدید با)

کیلی است که وزناً درست دو برابر قفیز پیش گفته میباشد .

توضیح آنکه تبدیل این کیلها با وزن پیش گفته به حسابصاع

عراقی بنا بر قولی که ۶۱۵ م است می باشد .

اردب از اوزان مصری است .

مدی - از اوزان شامی بوده که ۲۱ من تبریز و ۲۵ سیر و ۱۳/۵

م میباشد .

(پانزدہ سطر)

کتاب جفر

کتاب جفر کا نام ہے جو اللہ تعالیٰ نے اپنے بندوں کو سکھانے کے لیے
 فرمایا ہے۔ اس کتاب میں اللہ تعالیٰ کے اسرار اور اس کے
 مقادیر کی بات ہے۔ اس کتاب کو پڑھ کر انسان کو اللہ تعالیٰ
 کی عظمت اور بزرگی کا احساس ہوتا ہے۔ اس کتاب میں
 اللہ تعالیٰ کے اسرار اور اس کے مقادیر کی بات ہے۔

(پانزدہ سطر)

اس کتاب میں اللہ تعالیٰ کے اسرار اور اس کے مقادیر کی بات ہے۔
 اس کتاب کو پڑھ کر انسان کو اللہ تعالیٰ کی عظمت اور بزرگی
 کا احساس ہوتا ہے۔ اس کتاب میں اللہ تعالیٰ کے اسرار اور
 اس کے مقادیر کی بات ہے۔

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

اس کتاب میں اللہ تعالیٰ کے اسرار اور اس کے مقادیر کی بات ہے۔
 اس کتاب کو پڑھ کر انسان کو اللہ تعالیٰ کی عظمت اور بزرگی
 کا احساس ہوتا ہے۔ اس کتاب میں اللہ تعالیٰ کے اسرار اور
 اس کے مقادیر کی بات ہے۔

(هذا كتاب الجفر)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم جفر دانستن امور غیر مکشوف و اطلاع حاصل نمودن از عاقبت آن است و علماء این علم بچند قاعده عمل می نمایند قاعده که ما می نویسیم مشتمل بر پانزده سطر میباشد که سطر پانزدهم جواب بطور شافی و کافی حاصل میشود .

اولا باید مطلب را مختصراً بطور سؤال نوشت و بقاعده اعداد ابجد کبیر سؤال را باید عدد گرفت ابجد کبیر این است :

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ك	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

سؤال ما بطور اختصار این است «امام زمان کیست» بحساب ابجد سؤال را عدد گرفتیم ۶۷۰ شد باصطلاح این علم این عدد مدخل کبیر

است بعد باید حروف سؤال را تمام رد باحاد نمود از عشرات ومئات والوف مثلا الف را يك وميم را ۴ وكاف را ۲ و ش را ۳ و غين را يك بايد گرفت .

حروف سؤال را باین قاعده عدد گرفتیم ۴۰ شد این مدخل وسيط مجموعی است بعد باید حاصل جمع کل سؤال که همان مدخل کبير باشد الوف آن را رد بمئات ومئات آن را رد بعشرت وعشرات آن را رد باحاد و آحاد آن همان آحاد باشد حساب نمود تا مدخل وسيط کبير بدست بیاید مدخل کبير ما ۶۷۰ بود باین قاعده مدخل وسيط کبير ما ۶۷ میشود مئات که ۶۰۰ بود رد بعشرات نمودیم ۶۰ شد و عشرات آن که ۷۰ بود رد باحاد نمودیم ۷ شد مجموع ۶۷ شد این مدخل وسيط کبير است مثلا اگر مدخل کبير ما ۶۷۲ بود مدخل وسيط کبير ما ۶۹ می شد این مثال را زدیم برای آنکه اگر مدخل کبير آحاد هم داشته باشد باید حساب نمود و این طور عمل کرد .

بعد باید مدخل وسيط مجموعی را رد باحاد نمود تا مدخل صغير بدست بیاید مدخل وسيط مجموعی ۴۰ بود رد باحاد نمودیم ۴ شد اگر ۴۱ بود ۵ می شد قاعده پیدا کردن این چهار مدخل این بود که نموده شد بعد باید عددها را حرف نمود بقاعده ابجد باین قسم که ما نوشته ایم :

مدخل کبير . مدخل وسيط مجموع . مدخل وسيط کبير . مدخل صغير

۴	۶۷	۴۰	۶۷۰
د	زس	م	ع خ

حروف این چهار مدخل را جمع نمودیم این شد ع خ م ز س د
 بعد باید بسط ملفوظی نمود و قاعده این است که حروف را
 بطوریکه تلفظ میشود باید نوشت مثلاً ع را عین باید نوشت ما حروف
 مدخل‌ها را بسط ملفوظی نمودیم چنین شد ع ی ن خ ا م ی م ز ا س ی ن
 د ا ل .

این سطر که سطر اول است سطر اساس گویند باصطلاح این
 علم سطر دوم سطر نظیره است و عمل آن چنین است که حروف سطر
 اساس که سطر اول باشد بدایره ابجد ببرند و نظیره بگیرند و دایره
 ابجد این است که نوشته میشود در دو سطر قاعده نظیره گرفتن آنست
 که هر حرفی حرف پانزدهم آن نظیره آن حرف است مثلاً نظیره
 الف سین است و نظیره ب عین است و نظیره ج ف است و همین طور
 نظیره ص دال است و نظیره ع ب است .

بطور ساده و آسان برای نظیره گرفتن هر حرفی نظر در این
 دایره نمایند اگر آن حرف در سطر بالا نوشته شده حرفی که در سطر
 پائین زیر همان حرف است نظیره آنست و اگر آن حرف در سطر
 پائین نوشته شده حرفی که در سطر بالا روی همان حرف است نظیره
 آنست و دایره ابجد بجهت نظیره گرفتن این است که نوشته میشود :

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	ع

سطر اساس که سطر اول سؤال بود بدایره ابجد نظیر گرفتیم

این شد :

۱	س	ط	ر	ا	س	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل	
۲	س	ط	ر	ن	ظ	ر	ب	خ	غ	ی	س	ظ	غ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	س	ض

سطر سوم نسبت بین الحروف است و قاعده چنانست که کلیه حرفهائی که در سطر اساس نوشته شده رد با حاد نمایند آنگاه حرف اول سطر اساس را با حرف دوم سطر اساس پس از آنکه از مراتب خود انداخته و با حاد رد نمود، اگر عدد این دو حرف با هم متباین باشند یکی را در دیگری ضرب نمایند و اگر با هم متداخل باشند اکتفا باقل عدد بکنند و اگر با هم متوافقند وفق یکی را در دیگری ضرب نمایند و اگر با هم متمائل اند اکتفا به احد عددین بکنند و آنچه عدد از احد اقسام اربعه حاصل میشود زیر حرف اول سطر اساس بهندسه بنویسد یعنی در خانه اول سطر سوم.

پس آنگاه حرف دوم سطر اساس را با حرف سوم سطر اساس ملاحظه نمایند و از نسبت بین آنها آنچه عدد حاصل میشود در خانه دوم سطر سوم بنویسد پس حرف سوم سطر اساس را با حرف چهارم سطر اساس ملاحظه نماید حاصل آن را در خانه سوم سطر سوم بنویسد پس حرف چهارم سطر اساس را با حرف پنجم سطر اساس ملاحظه نمایند حاصل را در خانه چهارم سطر سوم بنویسد، در آخر سطر يك حرف می ماند که حرف آخر سطر است آن حرف را با حرف اول سطر اساس ملاحظه نماید و حاصل را در خانه آخر سطر سوم بنویسد.

و بجهت آسانی مطلب برای پیدا کردن نسبت بین الحروف
 بامراجعه بجدول زیر صفحه میتوان بدست آورد و قاعده آنست که
 حرف اول سطر اساس را با حرف دوم سطر اساس پس از آنکه ردِّ باحد
 نماید حرف اول را عمودی و حرف دوم را افقی در این جدول ملاحظه
 نماید خانه منتها الیه افقی و عمودی حاصل آنست آن عدد را بردارد.
 مثلا حرف اول سطر اساس ع و حرف دوم ی بود در جدول سطر
 هفتم افقی و سطر اول عمودی حاصل ۷ بود در خانه اول سطر سوم می نویسیم
 همچنین حرف دوم سطر اساس ی بود و حرف سوم سطر اساس ن ، در
 جدول سطر اول افقی مطابق سطر پنجم عمودی حاصل ۵ بود در خانه دوم سطر
 سوم می نویسیم و جدول حاصل نسبت بین الحروف این است :

	ط	ع	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	
ا	۹	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱
ب	۱۸	۴	۱۴	۳	۱۰	۲	۶	۲	۲	۲
ج	۳	۲۴	۲۱	۳	۱۵	۱۲	۳	۶	۳	۳
د	۳۶	۴	۲۸	۶	۲۰	۴	۱۲	۲	۴	۴
ه	۴۵	۴۰	۳۵	۳۰	۵	۲۰	۱۵	۱۰	۵	۵
و	۶	۱۲	۴۲	۶	۳۰	۶	۳	۳	۶	۶
ز	۶۳	۵۶	۷	۴۲	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۷
ح	۷۲	۱	۵۶	۱۲	۴۰	۴	۲۴	۴	۱	۱
ط	۹	۷۲	۶۳	۶	۴۵	۳۶	۳	۱۸	۹	۹

سطر چهارم آنستکه حروف سطر نظیره را که سطر دوم باشد با بکدیگر نسبت داده و حاصل نسبت را بنویسد و بطریقیکه در سطر اساس گذشت مطابق جدول عمل نماید از تباین و تداخل و توافق و تماثل. مثلا حرف اول سطر نظیره ب و حرف دوم خ است خ را رد باحاد مینمائیم ۶ میشود، در جدول سطر دوم افقی مطابق سطر ششم عمودی عدد ۳ نوشته شده در اول سطر چهارم ۳ می نویسیم حرف دوم سطر نظیره خ و حرف سوم غ است در جدول در سطر ششم افقی مطابق سطر اول عمودی عدد ۹ نوشته شده در سطر چهارم خانه دوم ۶ می نویسیم همچنین الی آخر. و حرف آخر سطر نظیره ض و حرف اول سطر نظیره با است در سطر هشتم عمودی جدول مطابق سطر دوم افقی یا بعکس در سطر دوم افقی مطابق سطر هشتم عمودی عدد ۴ است در خانه آخر سطر چهارم عدد ۴ مینویسیم و ما بجهت روشن بودن مثال پیدایش سطر سوم و چهارم را می نویسیم که بر عامل واضح و روشن باشد این است :

۱	س	ط	ر	ا	س	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
۲	س	ط	ر	ن	ظ	ب	غ	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	ص	ض
۳	حاصل	نسبت	اس	۷	۵	۳	۶	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۷	۶	۶	۵	۲	۴	۳	۲
۴	حاصل	نسبت	نظیره	۳	۶	۱	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۳	۳	۶	۶	۶	۹	۶	۴

سطر پنجم آنستکه سطر حاصل از نسبت اساس که سطر سوم باشد با سطر حاصل از نسبت نظیره که سطر چهارم باشد ملاحظه نموده عدد اقل هر يك از این دو سطر را از عدد اکثر طرح نماید، آنچه باقی

ماند زیر آن در سطر پنجم بنویسد ، در واقع خانه اول سطر سوم را با خانه اول سطر چهارم به بیندهر کدام عددش کمتر است از آنکه عددش زیادتر است تفریق کند باقی مانده را زیر همان خانه در سطر پنجم بنویسد همچنین تمام خانه‌ها را عمل کند تا سطر تمام شود و هر گاه دو خانه عددش مثل هم باشد هر دو عدد را جمع کند و حاصل جمع را بنویسد و این سطر که سطر پنجم است سطر تتمه گویند .

سطر ششم - قاعده آنستکه حرف اول سطر اساس را با حرف زیر آن که اول سطر نظیره باشد ملاحظه نموده و بایکدیگر نسبت دهند مثل سطر سوم و چهارم مطابق جدول عمل نمایند مثلا حرف اول سطر اساس ع بود و حرف اول سطر نظیره ب بود نسبت دادیم مطابق جدول حاصل نسبت آنها ۱۴ شد در اول سطر ششم نوشتیم و مابقی خانه‌ها را بهمین طریق عمل نماید .

سطر هفتم آنستکه آنچه عدد در خانه دوم سطر ششم است در خانه اول سطر هفتم نویسد و آنچه عدد در خانه سوم سطر ششم است در خانه دوم سطر هفتم نویسد و آنچه در خانه چهارم سطر ششم است در خانه سوم سطر هفتم نویسد الی آخر سطر و در خانه آخر سطر هفتم عددی که در خانه اول سطر ششم است نویسد .

سطر هشتم آنستکه عدد این دو سطر که سطر ششم و سطر هفتم باشد با یکدیگر ملاحظه نماید آنکه کمتر است از آنکه زیادتر است کم نماید و باقی مانده را در این سطر نویسد و هر گاه دو خانه عددش مثل هم باشد با یکدیگر جمع نماید و حاصل جمع را نویسد ، پیدایش این

سطر مثل سطر پنجم است که شرح آن را نوشتیم و این سطر را تتمه ثانیه گویند.

سطر نهم - قاعده آنست که همین سطر تتمه ثانیه را با سطر تتمه اولی یعنی سطر هشتم را با سطر پنجم ملاحظه نماید عدد اقل را از عدد اکثر طرح نماید یعنی هر کدام کمتر است از آنکه زیادتر است تفریق نماید و مابقی را در سطر نهم نویسد و هر گاه دو عدد مثل هم باشد با هم جمع نماید و حاصل جمع را بنویسد تا سطر تمام شود و ما بجهت مثال در پشت همین صفحه سؤال خود را از سطر اول تا سطر نهم می نویسیم که بجهت مبتدی سر مشق بوده باشد :

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰
۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

ل	۱	د	ن	ی	س	ا	ز	م	ی	م	ا	غ	ن	ی	ع	طراراس	۱
ض	س	ص	غ	خ	ا	س	ش	ظ	خ	ظ	س	ی	غ	خ	ب	طر نظیره	۲
۲۱	۳	۴	۲۰	۵	۶	۶	۷	۲۸	۴	۴	۴	۶	۳۰	۵	۷	طرصلزیتاس	۳
۴	۱۲	۶	۹	۶	۶	۶	۳	۳	۶	۶	۶	۶	۱	۶	۳	طرصلزیت نظیره	۴
۱۷	۹	۲	۱۱	۱	۱۲	۱۲	۴	۲۵	۲	۲	۳	۱۲	۲۹	۱	۴	طر تته اول	۵
۲۴	۶	۳۶	۵	۶	۶	۶	۲۱	۳۶	۶	۳۶	۶	۶	۵	۶	۱۴	طصلزیت بهاس نظیره	۶
۱۴	۲۴	۶	۳۶	۵	۶	۶	۶	۲۱	۳۶	۶	۳۶	۶	۶	۵	۶	طصلزیت دوم بهاس نظیره	۷
۱۰	۱۸	۳۰	۳۱	۱	۱۲	۱۲	۱۵	۱۵	۳۰	۳۰	۳۰	۱۲	۱	۱	۸	طر تته ثانیه	۸
۷	۹	۲۸	۲۰	۲	۲۴	۲۴	۱۱	۱۰	۲۸	۲۸	۲۸	۲۴	۲۸	۲	۴	طر تته تتهتین	۹

در بیان سطر دهم که سطر حروف دوریه است، و آن چنانست که عدد سطر تتمه ازتتمتین را که سطر نهم باشد تبدیل به حرف نماید و سطر دهم را بنویسد و قاعده چنانست که آن عدد را ملاحظه نماید اگر تمام است مثل ۱۰ و ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ و هکذا صد و دو بیست که حرف آن بحسب مرتبه در ابجد کبیر هست آن حرف را از ابجد کبیر بردارد وزیر آن بنویسد.

و اگر بحسب مراتب حروف، حرف بجمل کبیر ابجدی نباشد مثل یازده و دوازده و سیزده الی نوزده و بیست و یک و بیست و دو و بیست و سه الی بیست و هشت اینجا باید حرف آن عدد را بقاعده جمل وضعی که ابجد وسط است بردارد وزیر آن نویسد و ابجد وضعی که آنرا جمل وسط نیز گویند این است که نموده میشود:

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ن	م	ل	ک	ی	ط	ع	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
ع	ظ	ض	ذ	غ	ث	ت	ش	س	ق	ص	ف	ع	س

و اگر عدد زیاده از بیست و هشت باشد مثل بیست و نه و سی و یک و سی و دو الی سی و نه و هکذا چهل و یک الی چهل و نه و قس علی هذا که نه در ابجد کبیر و نه در ابجد وضعی پیدا شود آن عدد را باید باین قاعده عمل نماید: عشرات آن را نه نه طرح کند باقی مانده عشرات را باآحاد جمع نماید و به ابجد وضعی برده حروف بگیرد.

مثلا بمقتضی عمل مذکور بیست و نه عدد را ، عشرات آن که بیست است نه نه طرح می نمائیم دو باقی می ماند دورا بانه که آحاد آنست منضم مینمائیم یازده میشود در ابجد وضعی یازده حرف که است بر میداریم و می نویسیم مثلا سی و یک را ، از سی ۹و۹ طرح می نمائیم سه می ماند بایک میشود چهار ، حرف د را مینویسیم مثلا سی و دو ، از سی پس از طرح ۹و۹ سه می ماند بادو جمع میکنیم می شود پنج حرف ه می نویسیم ما بجهت روشن شدن مطلب سطر نهم این سؤال را تبدیل بحروف می نمائیم بهمین قاعده که ذکر شد و سطر دهم را استخراج می نمائیم این است:

۷	۹	۲۸	۲۰	۲	۲۴	۲۴	۱۱	۱۰	۲۸	۲۸	۲۸	۲۴	۲۸	۲	۴	طر نهم
ز	ط	غ	ب	خ	خ	ک	ی	غ	غ	غ	خ	غ	غ	ب	د	طر دهم

پس از آنکه اعداد که در سطر نهم است بحرف مبدل شد و سطر دهم تنظیم گردید بدانکه هر حرفی را چهار حرف لازم است که آن را حروف دوریه گویند و آن تنزل و ترقی و ترفع و مساوات آن حرف خواهند بود و آن چنانست که هر حرفی از حروف ابجدی حرف ماقبل آن حرف تنزل آنست و حرف ما بعد آن ترقی آنست و اگر آن حرف بمرتب آحاد است حروف عشراتیه و مئاتیته آن حرف ترفع و مساوات آن حرف خواهند بود .

مثلا حرف ب الف تنزل آن و جیم ترقی آن و - ترفع آن و که مساوات آنست و دور تمام حروف از این دایره که دایره ایقغ است معلوم میشود :

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
غ								

و این دایره منقسم است بر افلاک تسعه و صورت ظهور حروف از این دایره است که الف متداخل حرف حاصل اعداد نسبیه بوده باشد ب بعد آن و ترقی آنست و غ علی القاعده در شماره دوری می افتد و تنزل اوست و ی و ق ترفع و مساوات آن خواهند بود و ما بجهت تسهیل حروف ابجد را حرف بحرف جدا جدا دور میدهم این دور از همین دایره ایقغ برداشته شده است و آن این است :

ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ
غ ا ب	ا ب ج	ب ج د	د ه و	ه و ز	و ز ح	ح ط
ی	ک	ل	م	ن	س	ع
ض	ظ	ق	ر	ش	ت	ث
ز ح ط	ح ط ی	ط ی ک	ی ک ل	ک ل م	ل م ن	م ن س
ف	ص	ا	ب	ج	د	ه
خ	ذ	ض	ظ	غ	ک	ل
ن س ع	س ع ف	ع ف ص	ف ص ق	ص ق ر	ق ر ش	ر ش ت
و	ز	ح	ط	ی	ب	ج
ش ث گ	ث خ ن	خ ذ س	ذ ض ع	ض ظ ف	ظ غ ص	غ ا ق
د	کھ	و	ز	ح	ط	ی

* ظاهراً حرف ق چنین است و حرف ی چنین است ط ی ک
 ا
 ی
 ص ق ر
 ا
 ق

سطر یازدهم در بیان حروف قوا

۱- پس از آنکه حروف دوریه را فهمیدی و رسم کردی آنگاه اصل حرف حاصل از اعداد نسبیه که سطر دهم است ملاحظه کند در ابجد وضعی چه عدد دارد ، آن عدد را ضبط بدارد و حروف مقابل آنرا از سطر اساس نگاه کند و آن حرف مقابل از سطر اساس را در دایره ابجد پیدا کند و از همان حرف بدون عدد نفس الحرف بآن عدد وضع مضبوط که عدد حرف حاصل از اعداد نسبیه است بدایره ابجد شماره برتوالی نماید اگر منتهی الیه در دایره ابجد حرفی از حروف اربعه دوریه آن حرف است فبها همان حرف را بنویسد قوای حرف حاصل از اعداد نسبیه است و مراد بهمان است و اگر منتهی الیه عدد وضعی در دایره ابجد حرف خارج از حروف دوریه باشد مقصود نیست باید طرح کرد .

۲ - این دفعه بهمان عدد وضعی مضبوط از حروف نظیره مقابل حرف اساس را در دایره ابجد بدون عدد الحرف از آنجا نیز برتوالی شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف اربعه دوریه آن حرف است فبها و اگر حرف خارج باشد باز باید طرح کرد .

۳ - این دفعه حرف اساس مقابل را باز در ابجد پیدا کند بدون عدد نفس الحرف برخلاف توالی بهمان عدد وضع در دایره ابجد شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فبها و الا طرح کند .

۴ - این دفعه باز حرف نظیره را در دایره ابجد پیدا کند و بر

خلاف توالی بدون عدد نفس الحرف بهمان عدد و وضع مضبوط شماره نماید
اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فبها و اگر خارج است
باز طرح کند .

۵ - این دفعه یکحرف را کم کند باین معنی که بدون عدد
نفس الحرف و بدون عدد ثانی نفس الحرف از حرف سیم حرف اساس
بحسب ابجد در دایره ابجد بر توالی بهمان عدد و وضع شماره نماید اگر
منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فبها والا باز طرح کند .

۶ - این دفعه از خود نفس الحرف اساس در دایره ابجد شماره
نماید بر توالی بهمان عدد وضعی که در معنی این دفعه حرفی در عدد
زیاد کرده باشد اگر منتهی الیه حرفی از حروف اربعه دوریه است فبها
والا باز طرح کند .

۷ - این دفعه حرف نظیره اساس را در ابجد پیدا کند و حرفی
نیز کم کند و بدون عدد نفس الحرف و بدون عدد نفس الحرف
ثانی از حرف سیم با خود حروف نظیره بر توالی شماره کند اگر منتهی
الیه بحرفی از حروف اربعه دوریه رسید فبها والا باز طرح کند .

۸ - این دفعه از خود حرف نظیره در دایره ابجد بتوالی شماره
نماید که حرفی زیاد کرده باشد اگر رسید فبها والا باز طرح کند .

۹ - این دفعه باز حرف اساس را در دایره ابجدی پیدا کند و
یکحرف بر خلاف توالی کم کند و از حرف سیم اساس بر خلاف توالی
شماره نماید اگر رسید فبها والا طرح کند

۱۰ - این دفعه از خود نفس الحرف اساس که یکحرف زیاد شده
باشد بر خلاف توالی شماره کند اگر رسید فبها والا باز طرح کند .

۱۱ - این دفعه باز حرف نظیره اساس را در ابجد پیدا کند و از آن برخلاف توالی حروف کم کند بهمان معنی از سیم حرف نظیره بحسب ابجد در دایره ابجد شماره نماید اگر رسید فبها و اگر نرسید باز طرح کند .

۱۲ - این دفعه از خود نفس الحرف نظیره که حرفی زیاد شده باشد برخلاف توالی شماره کند اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه اوست فبها والا باز طرح کند آنگاه بطروح سته مشهوره عمل نماید :

اول - طرح عنصری چهار چهار

دوم - طرح کوکبی هفت هفت .

سوم - طرح افلاکی و آن نه نه است .

چهارم - طرح بروجی دوازده است .

پنجم - طرح منازل بیست و هشت است .

ششم - طرح درجی سی است .

اول بطرح عنصری عمل کند از حرف اساس یا برتوالی یا برخلاف توالی بدون عدد نفس الحرف اگر منتهی الیه بحرفی از حروف چهار گانه دوریه رسید فبها والا از حرف نظیره عمل نماید اگر رسید فبها و اگر نرسید باز طرح کند بطرح جهتی شش شش از حرف اساس یا حرف نظیره یا برتوالی یا برخلاف توالی اگر باز نرسید هفت هفت که طرح کوکبی است عمل کند اگر باز نرسید نه نه که طرح افلاکی است و دوازده دوازده که طرح بروجی است و بیست و هشت بیست و هشت که طرح منازلی است و سی سی که طرح درجی است عمل نماید .

وما بجهت تسهیل پیدا کردن حرف قوا جدولی ترتیب داده ایم

و تمام حروف را بجهت هر سؤالی که باشد از این جدول میتوان قوای آنرا پیدا کرد و قاعده چنانست که ابجد حاشیه جدول مثال حروف حاصله از اعداد نسبیه هر سؤالی است و ابجد دو سطر بالا مثال سطر اساس و نظیره آنست حرف حاصل از اعداد نسبیه ، سؤال خود را در حاشیه جدول پیدا کند و حرف اساس و نظیره مقابل حرف حاصل سؤال خود را نیز در جدول در فوق پیدا کند عمودی از حرف اساس و نظیره پائین بیاید و افقی از حرف حاصل پیش رود حرف قوا را بگیرد:

حروف قوا از این جدول استخراج شود:

	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
	س	ع	ق	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ا	ب	ب	ب	ق	ق	ق	ق	ی	ی	ی	ی	غ	غ	غ
ب	ج	ج	ا	ر	ج	ج	ر	ر	ک	ک	ا	ا	ا	ا
ج	د	د	ش	ب	د	د	ر	ر	ش	ش	ش	ب	ب	ب
د	ه	ه	م	ت	ج	ج	م	م	م	م	ت	ت	ج	ج
ه	و	و	ث	ث	ن	ن	د	ن	ن	ن	و	د	د	ث
و	ز	ز	خ	خ	خ	خ	س	س	س	س	س	ه	ه	ه
ز	ح	ح	ذ	ذ	ذ	ع	ز	ع	ع	ع	ع	و	و	و
ح	ط	ط	ظ	ظ	ظ	ض	ض	ض	ض	ض	ف	ز	ز	ز
ط	ی	ی	ح	ظ	ی	ی	ظ	ظ	ص	ص	ح	ح	ح	ح
ی	ک	ک	ا	ا	ا	ک	ک	ق	ق	ق	ا	ط	ط	ط
ک	ل	ل	ر	ب	ب	ب	ی	ر	ر	ر	ب	ک	ی	ی
ل	م	م	س	ج	ج	ج	ک	س	س	س	ش	ک	ک	ک
م	ن	ن	د	د	د	ت	ت	ت	ت	ت	ل	ل	ل	ل
ن	س	س	م	ه	ه	ه	م	ث	ث	ث	ه	م	م	م
س	ع	ع	و	و	و	و	و	خ	خ	خ	ن	ن	ن	ن
ع	ق	ق	ز	ز	ز	ز	ز	ذ	ذ	ذ	س	س	س	س
ق	ص	ص	ح	ح	ح	ح	ح	ض	ض	ض	ح	ع	ع	ع
ص	ق	ق	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ف	ف	ف	ف
ق	ر	ر	ر	ی	ی	ی	ا	ا	ص	ص	ا	ر	ص	ص
ر	ش	ش	ک	ک	ک	ک	ک	ب	ب	ب	ب	ق	ق	ق
ش	ت	ت	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ج	ج	ج	ر	ر	ر
ت	ث	ث	م	م	م	م	م	م	د	د	د	د	ش	ش
ث	خ	خ	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ه	ت	ت	ه
خ	ذ	ذ	و	و	و	و	و	و	و	و	و	ث	ث	ث
ذ	ض	ض	ز	ز	ز	ز	ع	ع	ض	ض	ز	ض	خ	خ
ض	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ح	ح	ح	ح	ظ	ن	ن	ن
ظ	ع	ع	ص	ص	ص	ص	ط	ط	ط	ط	ط	ض	ض	ض
غ	ا	ا	ظ	ق	ق	ق	ی	ظ	ی	ی	ی	ظ	ظ	ظ

در بیان حرف حاصل که سطر دوازدهم باشد و در آن دو مقصد است

مقصد اول

در بیان حاصل او؛ قبل از سؤال و در آن دو مقدمه است

مقدمه اول آنست که باید در اول حین سؤال اسم روز یا شب وقت سؤال خود را با عدد ایام گذشته از ماه خود و اسم ماه و سال و آنچه از زمان هجرت تا آن وقت رفته است همه را بحروف مقطعه بنویسد و عدد کبیر ابجدی را زیر حروف بنویسد آنگاه تمام آن اعداد را بطریق خانه‌های چهار گانه آحاد و عشرات و مئات و الوف جمع سازد و آن چهار خانه را مستنطق سازد .

باین معنی که حروف هر عددی را از ابجد کبیر بطریقی که در گرفتن مدخل گذشت زیر آن اعداد بنویسد آنگاه عدد آن حروف را با آحاد از روی حساب جمل صغیر باسقاط مراتب حروف جمع کند اگر برای آن مجموع از روی جمل صغیر با نمرتبه حرفی بآن عدد در جمل کبیر پیدا میشود آن حرف را بگیرد و بآن مرتبه بنویسد و هر گاه بآن مرتبه عدد در جمل کبیر یافت نشود از روی جمل وضعی عمل کند و حرفی بگیرد و بنویسد این يك حرف حاصل از تمام تاریخ مقطعه حین سؤال است این حرف را یاد داشت کند بعد از آن ساعت وقت سؤال که مثلا چند ساعت از روز یا از شب گذشته بحروف بنویسد بعد طالع وقت را به بیند چه برجی از مشرق طالع است اسم آن برج را عدد بگیرد و جمع اعداد را حروف کند بطریقی که در تاریخ گذشت

بعد قرآن مجید را بگیرد با وضو پنج صلوات بفرستد و اگر فاتحه بخواند بهتر است و چهار مرتبه قرآن را باز کند و از صفحه دست راست حرف اول صفحه را بنویسد و اگر قرآن نباشد از تسبیح چهار مرتبه بگیرد با بجد وضعی ببرد حروف نماید بعد این چهار حرف را بطور آحاد حساب نماید و با بجد وضعی برده حروف نماید بعد این چهار حرف حاصله را بحسب اسقاط مراتب با آحاد حساب نماید و یک حرف نماید این حرف، حرف حاصل و در گوشه ضبط بدارد مثلاً :

سال هزار و دویست و هشتاد و دو شب پنجشنبه سیم ماه شعبان

جمع تمام حروف حرف ساعت ۵ حرفش

۲۲۹۴ ، ف ه

طالع وقت سنبله ، جمع آن ، حرفش حروف قرآنی

۱۴۷ ل دج دج

عدد حرف قرآنی، حرفش، صفحه حروف از بعد مر قومه، جمع آحاد آن

۱۴ ن ف ه ل ن ۲۱

حرف حاصل از این چهار حرف که حاصل اول است : ش

مقصد دوم در بیان سطر دوازدهم که سطر حاصل صفحه اصل

سؤال است پس از آنکه سطر یازدهم را نوشت حرف اول سطر قوا

که سطر یازدهم باشد و حرف اول سطر اساس و حرف اول سطر نظیره با

حرف حاصل از تاریخ و ساعت و طالع و حروف قرآنی که همان

حرف ش باشد که در بالای صفحه تعیین شد عدد این چهار حرف را از

روی جمل صغیر با اسقاط مراتب جمع نموده و بدایره ابجد وضعی برده

بهر حرفی که رسید آن حرف را در اول سطر دوازدهم نویسد باز حرف

دوم سطر قوا را با حرف دوم سطر اساس و نظیره و همان حرف حاصل حساب نماید بطریق مذکور و با بجد وضعی برده بهر حرفی که برسد همان را در خانه دوم سطر دوازدهم نویسد. و همچنین عمل نماید تا سطر تمام شود و ما بجهت مثال در اینجا می نویسیم :

۱۰	س	ط	ر	ب	خ	خ	ک	غ	غ	غ	غ	غ	د	ب	س	ط	ر	ز	
۱۱	س	ط	ق	و	ک	ظ	و	ا	ظ	ی	ط	ی	ذ	ذ	ک	ق	ق	ی	و
۱۲	س	ط	ق	ل	ع	ک	ذ	ک	ذ	ن	ق	ق	ل	ی	ق	ک	ر		

مثلا حرف اول اساس ع بود عددش ۷ حرف اول نظیره ب بود عددش ۲ حرف اول قوا ه بود عددش ۵ حرف حاصلش عددش ۳ مجموع اعداد هفده شد با بجد وضعی بحرف ف رسید در اول سطر حاصل نوشتیم حرف دوم سطر اساسی عددش یک حرف دوم سطر نظیره خ عددش ۶ حرف دوم سطر قوا ک عددش ۲ حرف حاصلش عددش ۳ مجموع ۱۲ شد با بجد وضعی ۱۲ ل است در خانه دوم سطر حاصل که سطر ۱۲ باشد نوشتیم و ما بقی خانه ها بدین قیاس است ' و این سطر سطر حاصل اصل و مهبای جوابست .

در بیان سطر سیزدهم که سطر مستحصله است و آن چنانست که حرف حاصل که سطر دوازدهم باشد باید دور کبیر داد و مراد بدور کبیر آنست که حروف اربعه دوریه که گذشت با ضافه حرف نظیره حرف حاصل از دایره ابجد و ابث و اهطم و ایقغ باید دور داد و بجهت واضح شدن مطلب ما

حروف ۲۸ گانه را دور کبیر میدهیم :

ض ق ج	ط ر د	غ ش ا	ک ت ب	س ش ز	س خ ح	ن ذ ه
غ ا ب	ا ب ج	ب ج د	ج د ه	و ه و	ه و ز	و ز ح
ن ی س	خ ک ع	ذ ل ف	ض م ص	ظ ن ق	ق س	ک ع س
ف ص و	ب ظ ک	ص ق ل	د ر ط	ذ ش ی	ر ت س	ز ش ع
ز ح ط	خ ط ی	ط ی ک	ی ک ل	ل م	ل م ن	م ن س
ل ف ت	م ص ش	ث ا خ	ز ب ذ	ح ج ص	ط د ظ	ا ه غ
و خ م	ث ذ ن	ح ض ق	ی ظ ر	خ غ ف	م ک ص	ه ل ث
ن س ع	س ع ف	ع ف ص	ف ص ق	ص ق ر	ق ر س	ر س ث
غ د ا	ر ز ب	ش ح ج	ت ط د	و ی ه	ع ب و	ف ج ز
ط م خ	ع ن س	ق س ت	ل ع ط	ا ف غ	ت ص ذ	ج ق ض
ش ث ث	ت ث خ	ث خ ذ	خ ذ ض	ذ ض ظ	من ظ غ	ظ ع ا
ص د ح	ی ه ط	ب و ی	ج ز ک	د ح ل	ه ط م	س ی ن

حرفهائیکه با رنگ قرمز (۱) نوشته شده حرف حاصل و باقی حروف دور آن است .

حروف حاصل را باین دستور دور داده آنگاه حرف حاصل را بحرفی از حروف سطر اساس و نظیره نسبت داده بشرط آنکه هم طبیعی از برای آن حرف منسوب الیه حرفی در چهار حرف صفحه بوده باشد و دایره طبایع این است که هم طبع بودن از این معلوم میشود :

حروف ناری	حروف هوایی
ا ه ط م ف ش ذ	ب و ی ن ص ت ض
حروف مائی	حروف خاکی
ج ز ک س ق ث ظ	د ح ل ع ر خ غ

(۱) یعنی در وسط نوشته شده .

آنگاه ملاحظه نماید که حرف حاصل از منسوب الیه اساس با نظیره بحسب جدول چه بُعد دارد و بحسب ابجد نیز بُعد آن چه قدر است بُعد ابجدی از هفت زیاده نباشد و بعد جدولی هر قدر باشد این دو بُعد را با هم جمع نمایند و در دایره انسخ که دایره ایست معروف و بیانش میشود از حرف حاصل بشمارد حرف منتهی الیه را ضبط داشته باشد که باید از قوای آن باشد و امتحان بر آن جاری شود .

و امتحان آن این است که بُعد حرف صفحه هم طبع منسوب الیه را در حرف حاصل و منسوب الیه ملاحظه کند و آن بُعد را بر دو بُعد بیفزاید یا کم کند و در انسخ بشمارد و اگر بهمان حرف برسد بر دارد و الا عمل را استیناف نماید .

و صورت وضوح این عمل آنست که حرف حاصل را بر داشته حرف مطلوب آنرا در اساس یا نظیره پیدا کند که آن مطلوب حرف منسوب الیه است بشرط آنکه هم طبع از برای آن در صفحه باشد . و اگر حرف مطلوب در اساس و نظیره پیدا نشود یا آنکه پیدا بشود اما در حروف صفحه هم طبع نداشته باشد مطلوب مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد .

اگر حرف مطلوب مطلوب در سطر اساس یا نظیره پیدا نشود یا آنکه پیدا شود اما هم طبع در صفحه نداشته باشد مطلوب مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس یا نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد .

اگر پیدا نشود یا هم طبع نداشته باشد در صفحه قرین حرف

حاصل را در اساس و نظیره با شرط هم طبع داشتن در صفحه پیدا کند.
اگر پیدا نشود یا هم طبع نداشته باشد قرین مطلوب را در اساس
و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد.

و اگر در اساس و نظیره پیدا نشود یا هم طبع نداشته باشد قرین
مطلوب مطلوب را در سطر اساس یا نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه
داشته باشد.

و اگر در اساس یا نظیره پیدا نشود یا آنکه پیدا شود و هم
طبع در صفحه نداشته باشد قرین مطلوب مطلوب را در اساس
و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد.

و اگر این حرف نیز در سطر اساس و نظیره پیدا نشود یا بشود
و هم طبع نداشته باشد طالب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا
کند که هم طبع در صفحه داشته باشد.

اگر پیدا نشود یا بشود و هم طبع نداشته باشد طالب طالب
حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه
داشته باشد.

اگر پیدا نشود یا بشود و هم طبع نداشته باشد در صفحه طالب
طالب طالب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم
طبع در صفحه داشته باشد اگر پیدا نشود یا آنکه پیدا شود و هم طبع
در صفحه نداشته باشد قرین حرف حاصل را از جنب راست که مقدم
است در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد.

اگر پیدا نشود یا بشود و هم طبع نداشته باشد قرین طالب را
در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع داشته باشد و اگر پیدا

نشود یا بشود و هم طبع در صفحه نداشته باشد قرین طالب طالب را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد .

اگر پیدا نشود یا بشود و هم طبع در صفحه نداشته باشد قرین طالب طالب طالب را در سطر اساس و نظیره پیدا کند اگر پیدا نشد بطریقیکه ذکر شد بنظائر اینها عمل کند و اگر نشود عمل بنفس حرف نماید.

بدانکه بُعد مطلوب از حرف دو است و مطلوب مطلوب چهار و مطلوب مطلوب مطلوب شش است و قرین خود حرف يك و قرین مطلوب سه و قرین مطلوب مطلوب پنج و قرین مطلوب مطلوب هفت بُعد دارد و هکذا برخلاف توالی در ابجد .

طالب نیز از حرف دو بُعد دارد و طالب طالب چهار بُعد و طالب طالب طالب شش بُعد دارد و قرین خود حرف يك و قرین طالب سه و قرین طالب طالب پنج و قرین طالب طالب طالب هفت بُعد دارد .

این است اشاره که بُعد ابجدی از هفت نباید تجاوز بکند مطلوب بر توالی و طالب برخلاف توالی هر حرفی از حروف ابجدیه حرف بعد او قرین اوست و حرف بعد قرین او مطلوب اوست و هکذا بر توالی الی آخره مطلوب و قرین مطلوب اوست تا هفت حرف و کذاک بر خلاف توالی حرف متصل بحرف قرین اوست و حرف متصل بقرین او طالب اوست برخلاف توالی الی هفت حرف که قرین و طالب اویند و از دایره اجزیه معلومست کل حرف و مطلوب او و مطلوب او و مطلوب مطلوب مطلوب او و قرین هر يك از آن و طالب او و طالب طالب او و طالب طالب او و قرین هر يك از اینها طالب و مطلوب و قرین این است که از دایره جلیله اجزیه معلوم میشود: دو سطر بالا قرینه دو سطر پائین :

س ف ق ش ث ذ ظ	ا ج ه ز ط ك م
ع ص ر ت خ ض غ	ب د و ح ی ل ن

و دو سطر پائین قرین دو سطر بالاست و هر سطر، دو حرف پهلوی هم طالب و مطلوب همدیگرند و آخر دو سطر با اول دو سطر طالب و مطلوبند.

مثلا حرف «ز» مطلوبش حرف «ط» و مطلوب مطلوبش ك و مطلوب مطلوب مطلوبش م است و طالبش ه و طالب طالبش «ج» و طالب طالب طالبش الف است قرین مطلوبش ی و قرین مطلوب مطلوبش ل و قرین مطلوب مطلوب مطلوبش ن است قرین طالبش و- و قرین طالب طالبش د و قرین طالب طالب طالبش ب است و قرین خودش ح است.

محض واضح شدن مثال و فهم مبتدی طالب و مطلوب حروف و قرین آنها ذکر شد و موقعیکه این طور عمل میکنیم می بینیم در ابجد هر حرفی تا هفت حرف جلو و هفت حرف عقب خود طالب و مطلوب و قرین طالب و قرین مطلوب دارد علت اینکه بُعد ابجدی از هفت زیاده نباشد که در اول ذکر شد این است.

پس از آنکه طالب و مطلوب را فهمیدی قاعده عمل نمودن چنانست که حرف مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کن که حرف حاصل بآن نسبت داده شود بشرط آنکه هم طبع از برای آن در حروف اربعه صفحه بوده باشد و حروف اربعه صفحه چهار حرفی است که از تاریخ و ساعت و طالع وقت و تنفال از کلام الله بدست آمد آنگاه بُعد جدولی حرف منسوب الیه را تا حرف محاذی حرف حاصل و بُعد

ابجدی حرف منسوب الیه را تا حرف حاصل ملاحظه کند این دو بُعد را جمع کند و در دایره انسخ منقسم بر کواکب سبعة سیاره از حرف حاصل شماره کند بر توالی یا بخلاف توالی منتهی الیه را اگر از حروف دور کبیر حرف حاصل است قوای آن خواهد بود آن حرف را نشان کند و امتحان بر آن جاری کند .

و طریقه امتحان آنست که بُعد حرف حاصل از حرف صفحه هم - طبع حرف منسوب الیه سطر اساس و نظیره را ملحوظ بدارد و بر دو بُعدی که از حرف منسوب الیه حرف حاصل بحسب جدول و ابجد حاصل شده بیفزاید و شماره در دایره انسخ نماید بر توالی یا بخلاف توالی اگر حرف منتهی الیه همان حرف نشان کرده است بردارد که همان مستحصله است والا بُعد حرف صفحه را از بُعدین ملاحظه کند و اقل را از اکثر طرح کند و شماره نماید در دایره انسخ بر توالی یا بخلاف توالی .

اگر منتهی الیه همان حرف نشان کرده است بردارد همان مستحصله است والا بُعد حرف صفحه را با حرف منسوب الیه سطر اساس و نظیره بحسب ابجد ملاحظه کند و بر بُعدین بیفزاید بحسب سیر در دایره انسخ بر توالی یا خلاف شماره کند اگر منتهی الیه حرف نشان کرده اول است بردارد و الا این يك بُعد را با آن دو بعد ملاحظه کند اقل را از اکثر طرح کند و تتمه آن را بر دایره انسخ شماره نماید اگر بهمان حرف رسید فبها والا استیناف عمل نماید و مطلوب مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس یا نظیره پیدا کند بشرط هم طبع بودن بایکی از حروف صفحه .

پس بعد جدولی و ابجدی آن حرف را جمع کند بدستور مزبور در دایره انسخ از حرف حاصل بر توالی یا خلاف آن شماره نماید حرف منتهی الیه اگر از حروف دوریه دور کبیر حرف حاصل باشد نشان کند و امتحان را بر آن جاری کند بدستوریکه ذکر شد بعد حرف صفحه را از حرف حاصل ملاحظه کرده بر دو بُعد بیفزاید اگر بهمان حرف در انسخ نرسد بُعد حرف صفحه را از حرف منسوب الیه بگیرد و بیفزاید اگر برسد فبها و اگر نرسد از دو بُعد کم کند اگر نرسد طرح میکند و تجدید عمل از مطلوب مطلوب نماید و بدستوری که مرقوم شد عمل کند اگر نشود بقرین هر یک از اینها بهمین دستور عمل کند، اگر نشود تجدید عمل از طالب و طالب طالب و طالب طالب و قرین هر یک از اینها یک یک علی حده بقاعده که مرسوم گشت عمل کند اگر نشود بنظایر اینها هر یک علی حده هفت توالی دست چپ و هفت خلاف توالی دست راست عمل نماید اگر نشود عمل بنفس حرف بکند.

و ضابطه این عمل آنست که باید حرف منتهی الیه از حروف دور، از حروف دور حرف حاصل که قوای آنست باشد و امتحان مذکور بر آن جاری میشود و بعضی عمل بر اساس دور نظیره را اقوی دانسته اند و دایره انسخ منقسم بر کواکب سیاره این است :

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

و بسا میشود از حروف دو بُعد نداشته باشند يك بُعد از برای آن باشد مثل آنکه مطلوب یا طالب یا قرین هر يك محاذی حرف حاصل در اساس یا نظیره اتفاق افتد که بُعد جدولی را فاقد باشد عمل بر همان بعد واحد که عمل بعدین خواهد بود یا عمل بنفس حرف در وقت لزوم شود.

حروف ناری	حروف هوائی	حروف آبی	خاک
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
س	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

بُعد واحد هیچ امتحان بر آن جاری نمیگردد و عمل بر آن میشود بدقت ملاحظه کرده که غلط و سهو در عمل نشود.

اما دایره اطمینانی که هر هفت حرف آن منسوب بیکی از عناصر اربعه است با تعیین عناصر این است که در این جدول نوشته شد: ←

سطر چهاردهم- پس از آنکه سطر مستحصله را بدقت فهمیدی و مرسوم نمودی آن سطر را نظیره ابجدی بگیر و سطر چهاردهم را بنویس پس از آن سطر چهاردهم را یکدفعه صدر و مؤخر کن سطر پانزدهم را

بنویس آنوقت جواب کافی و شافی بیرون آمده است ، و طریقه صدر و مؤخر کردن آنست که يك حرف از آخر سطر چهاردهم در اول سطر پانزدهم بنویس و يك حرف از اول سطر چهاردهم در دوم سطر پانزدهم بنویس همینطور يك حرف از آخر و يك حرف اول تا سطر تمام شود حروفات سطر پانزدهم را ترکیب کن جواب کافی و شافی بیرون می آید. و بدانکه عمل بقوای قوادری صورت رسیدن به بعضی مراتب درك بجواب آن می شود که بسیاری از اعلام این فن بجهت تعجیل در استخراج بآن عمل بعد از ادراك آن کرده اند تسلط لازم دارد و اصلح در عمل آنست بهیچوجه قوی یا قوای قوا ملاحظه نشود و عمل بهمان بشود و امتحان شود و ما سؤال را از اول الی آخر در زیر صفحه و صفحه مقابل می نویسیم :

سال هزار و دوست و هشتاد و دو .

شب پنجشنبه سیم ماه شعبان

عدد تمام حروف حرفش ساعت ۵ طالع سنبله حرفش

۲۲۹۴ ف حرفش ۵ ۱۴۷ ل

حروف قرآنی عددش حرفش صفحه حروف اربعه عددش حرف حاصل

دج دج ۱۴ ن ف هل ن ۲۱ ش

سؤال امام زمان کیست مدخل کبیر مدخل وسیط مجموعی

۴۰ ۶۷۰

۴ خ

مدخل وسیط کبیر مدخل صغیر

۴ ۶۷

د زس

حروف مستنطقه ع خ م ز س د بسط ملفوظی ع ی ن خ ا م ی م

ز ا س ی ن د ا ل

اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
نظیره	ب	غ	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	ص	ض
حاصل نسبت نظر	۷	۵	۳۰	۶	۴	۴	۴	۸	۷	۶	۶	۵	۲۰	۴	۳	۲۱
حاصل نسبت نظر	۳	۶	۱	۶	۶	۶	۶	۳	۳	۶	۶	۶	۹	۶	۱۲	۴
تتمه اولی	۴	۱	۲۹	۱۲	۲	۲۲	۲۵	۴	۱۲	۱۲	۱	۱۱	۱۱	۲	۹	۱۷
حاصل اس نظیره	۱۴	۶	۵	۶	۶	۶	۶	۲۱	۳۶	۳۶	۶	۶	۵	۳۶	۶	۲۴
حاصل دوم نظیره	۶	۵	۶	۶	۶	۶	۶	۲۱	۳۶	۳۶	۶	۶	۵	۳۶	۶	۱۴
تتمه ثانیه	۸	۱	۱۲	۳۰	۳۰	۳۰	۱۵	۱۵	۱۲	۱۲	۱	۳۱	۳۱	۳۰	۱۸	۱۰
تتمه تمثینی	۴	۲	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۱۰	۲۸	۲۸	۱۱	۲۴	۲۴	۲	۲۸	۹	۷
حاصل اعداد	د	ب	غ	خ	غ	غ	غ	غ	ی	ک	خ	خ	ب	ر	غ	ظ
سطر قوا	ه	ک	ظ	و	ا	ظ	ی	ط	ی	ذ	ذ	ک	ق	ق	ی	و
سطر حاصل	ف	ل	ص	ع	ک	ذ	ک	ذ	ن	ف	ف	ل	ی	ف	ک	ر
مستحصله	ت	ص	ق	خ	س	ص	ظ	ظ	س	س	ز	ع	ص	ظ	ظ	ظ
نظیره	ح	د	ه	ی	ا	د	م	م	ا	ا	ش	ب	د	م	م	م
صدر و مؤخر	م	ح	م	د	م	ه	د	ی	ب	ا	ش	د	ا	م	ا	م

جواب که در سطر پانزدهم بحروف مقطعه حاصل شده بود تر کیب

کردیم این شد: محمد مهدی باشد امام.

* (خاتمه) *

در ذکر بعضی از دوائر که در این علم مورد لزوم است .

دایره او یلمنع				دایره احست			
نار ماء تراب باد مفتوح مکسور مضموم مجزوم							
ا	ه	ج	ب	ا	ح	س	ت
و	ر	ز	د	ب	ط	ع	ث
ی	ش	ک	غ	ج	ی	ف	خ
ل	ث	س	ظ	د	ک	ص	ذ
م	ذ	ف	غ	ه	ل	ق	ض
ن	ص	ت	ض	و	م	ر	ظ
ع	ط	ح	ق	ز	ن	ش	ع
دایره ابهش عرضاً و احقس طولاً				دایره افسج عرضاً اعطط طولاً ناری هوائی آبی خاکی			
ا	ب	ه	ش	ا	ف	س	ج
ح	ذ	ل	ج	ع	ی	ل	م
ق	و	ط	ص	ه	ص	ر	ز
س	ن	ظ	ف	ط	غ	ث	ب
ع	ظ	ز	ت	ح	ظ	ن	خ
ک	غ	ر	خ	ق	ک	و	ت
ی	د	ض	م	ش	ض	د	ذ

دایره ا ک د خ عرضاً ایقغ طولاً				دایره ا ی ق غ مشهور عرضاً و ا ب ر ج طولاً			
ا	ک	د	خ	ا	ی	ق	غ
ی	س	م	ز	ب	ه	ک	ن
ق	ج	ت	ذ	ر	ث	د	م
غ	ل	ه	ح	ج	ل	ش	و
ف	ش	ص	ط	س	ح	ف	ت
س	ن	ث	ض	خ	ز	ع	ذ
ب	ع	و	ظ	ض	ط	ص	ظ
دایره او کغ عرضاً اهطم طولاً				دایره امرص عرضاً واکنب طولاً			
ا	و	ک	غ	ا	م	ر	ص
ه	ی	ض	ر	ک	ج	ظ	و
ط	ن	ق	خ	ن	س	ط	س
م	ض	ث	ش	ب	غ	ی	ع
ف	ت	ع	د	ث	ج	ف	د
س	ظ	ج	ح	ض	ن	ه	ذ
ز	ب	ز	ل	ز	ت	غ	ق

دایره اطغذ				دایره احقس عرضاً اعذغ طولاً			
ا	ط	ف	ذ	ا	ح	ق	س
و	ن	ت	ج	ع	ک	ی	ب
ک	ق	ظ	ح	ذ	و	ن	ص
ع	خ	ه	م	ع	د	ه	ل
ش	ب	ی	ص	ط	ظ	ز	س
ص	س	س	ت	ص	ش	ج	ص
د	ل	س	ع	ق	ت	خ	م
<p>نار تراب هوا ماء حار بارد حارو بارد و یابس یابس رطب رطب</p>				<p>ناریه ابنت ترابیه هوائیه مائیه حروف حروف حروف حروف تاج حربہ عمود کرسی</p>			
ا	ب	ج	د	ا	س	ب	ع
ه	و	ز	ح	ج	ف	د	ص
ط	ی	ک	ل	ه	ق	و	س
م	ن	س	ع	ز	ش	ح	ت
ف	ص	ق	س	ط	ث	ی	خ
س	ت	ث	ع	ک	ذ	ل	ص
ذ	ص	ظ	ع	م	ظ	ت	ع

قاعده جفریه :

باید حروف را چهار مرتبه : بقاعده ترفع و ترقی و تنزل و مساوات جدا نموده و بلا مرتبه کرده یعنی حرف را تمام آحاد حساب کند و اگر از حروف ترقی و ترفع است آنرا زیاد کند که بهم درجه خود رسد و اگر از حروف تنزل است از آن کم کند و اگر از حروف مساوات است و نه است یک بر آن افزاید و نصف او را گرفته پنج بنویسد ناطق میشود و بعضی گفته اند که هر گاه الف در اول باشد الف نوشته میشود اگر در مرتبه دوم است ب نوشته میشود ، در سوم جیم و هکذا سایر حروف از اینقرار ترقی می نمایند تا بمطلوبش برسد .

ایضا :

باید سؤال را محرر سازی و مداخل ثلاثه او را گرفته داخل زمام نمائی و بسط عددی کرده باز مداخل ثلاثه گرفته خلاصه نموده تکسیر کنی و از سطور تکسیر سطور خانه مطلوب بگیری و حروف مکتوبی و مسروری و ملفوظی جدا سازی پس مزاج دهی و غریزه نموده اگر مدعی یافتی و الاتکسیر نموده جواب دریابی .

قاعدة جفرية :

السؤال : من خلق السموات والارض ؟

عدد الحروف : ١٩ النقطة : ٧ لفظ غافيطوس

اساس : ز ش ب غ ط ي ز ذ ي و م ا ل ا ح

د ا و ب ع س ا ع ف غ ا ن ي ط ا و س

نظيره : ش ز ع ن ث خ ظ س ض ت ص و ب ا ح ج

تكسير : ج ش ح ز ا ع ب ن و ث ص خ ث ر ض ط س

مستحصله : ض ق ص ن خ س ب خ ظ ض ض ش ش ض غ ه ي

نظيره : ل ه ا غ ي ا ع ي م ل ل ز ل ن ق خ

الجواب : خ ل ق ه ن ا ل غ ز ي ز ا ل ع ل ي م

خلقهن العزيز العليم

اخذنا مداخل السؤال و مداخل عدد مفرداته و مداخل عدد

نقطته ثم عملنا بطريق الترقى و المساوات ثم اخذنا النظائر ينطق

بجواب صادق .